

منشور حقوق زن و وظايف وى در اسلام

مؤلف
د. ابراهيم الناصر
مترجم
قريب الله مطبيع



منشور حقوق زن و وظایف وی در اسلام

ترتیب دهنده

د. ابراهیم ناصر

ترجمه

قریب الله «مطیع»

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

شریعت اسلامی به مناسب ترین وجه کرامت و عدالت نسبت به زنان را بیان داشته و آنان را از جور و ستم جاهلیت نجات داده است، و عادلانه جنبه های مختلف انسانی و جنسی آنان اعم از دختریودن، همسریودن، مادریودن و عضو جامعه بودن را محفوظ نموده است. مامنکر آن نیستیم که در بعضی از جوامع مسلمانان و در زمان های مختلف، برخی از مسلمانان به نام دین بربزن ظلم روا داشته و او را از حقوق مسلمش مانند آموزش مسایل دینی محروم، و در انتخاب شریک زندگی مورد رضایت خاطرش آزاد نگذاشته اند، لیکن این امور از عدم شعور صحیح دینی سرچشمه گرفته و جنبه عمومی ندارد. و همواره مسلمانانی بوده اند که منکر این اوضاع بوده ویرای رفع آن تلاش نموده اند در حالیکه به همه هویدا است

که زن در جامعه نقش بسیار اساسی را به عهده دارد. چنانکه شاعر میگوید:

الأم مدرسة اذا اعددتها أعددت شعبا طيب الأعراق

«مادر مدرسه ای است که اگر آن را مهیا نمایی یک ملت پاک نهاد راساخته ای». لیکن بعداز گشودن دروازه های تبادل فرهنگی باکشورهای غربی و شرقی غیر مسلمان، چیزهایی در جامعه اسلامی پدید آمد که قبل و بعد نداشت مانند: کار کردن زن در کارخانه ها و ادارات دولتی، و پیش نمودن زنان به مسایل سیاسی، و شرکت در مسایل انتخاباتی و..... زمانی که مرد وزن به گونه مساوی با هم، بدون مراعات خصوصیت های ذاتی هر کدام، پا جا پای یکدیگر بگذارند و اختلاف ذاتی و فطری جنس خود را نادیده بگیرند، مسیر زندگی به اهداف واقعی خویش منتهی نمیگردد، چون دور از عقل و عدالت است که خداوند حَمَدَه بین دو جنس مختلف که مصالح ذاتی

آنها و مصالح جامعه مبنی بر اختلاف و تفاوت بین آنهاست، مساوات قابل شود، پس باید وظایفشان باهم فرق داشته باشد و عقل و عدل غیراین را نمی پذیرد.

زن نصف جامعه انسانی را تشکیل میدهد بلکه نصف مهمتر جامعه اند، پس باید در پرتو قانون الهی افراد جامعه را به کرامت، عدالت و رفع ستم نسبت به زنان فراخواند، تازنان بتوانند در مسایل آموزشی، تربیتی و شغل های متناسب با طبیعت و سرشت و شخصیت اجتماعی و توان جسمی و روحی و تحمل مسؤولیت های ویژه خویش، و انتخاب همسروتشکیل خانواده و کانون زندگی مشترک، منصفانه به حقوق مسلم و متناسب خویش دست یابند، و چنین هم به نظر می رسد که مردم در پرتو حوادث و رویدادها خواهی نخواهی به تدریج به حکمت شریعت الهی درباره زن برمی گردند، حتی دشمنان نیز اعتراف می کنند که شریعت اسلامی

حقوق واحترامی به زنان داده است که به طور مطلق در هیچ یک از شریعت های دیگر و قوانین وضعی نیامده است. پس بر زن مسلمان لازم است که وحدت خانواده را رعایت کند و مرد نیز بر مبنای مسؤولیت ها و وظائف و تکالیفش در قبال همسرش این وحدت و این انسجام را حفظ کند. و در بیرون از منزل: زن باید حجاب را ساخت مراعات نموده و از اختلاط با مردان و خود نمایی وزینت و زیور نمایی حذر نماید که این خود رمزسلامت جامعه از شیع مسایل جنسی و بی بند و بیاری و بی سروسامانی است که جو امتحان غریبی امروز در آن غرفند، اگر این مسایل در جامعه های مسلمانان بطور درست مراعات شود، دل ها از آسودگی ها و جامعه از گمراهی ها و منکرات پاک خواهد شد و عفت و حیا مصون خواهد ماند، زیرا هر اندازه زنان از ابتدال و بی بند و بیاری و موضع تهمت دور

باشند، قوت و صلابت مردان بیشتر خواهد شد، در غیر آن این صورت قضیه بر عکس خواهد گردید.

به امید ایجاد جامعه نوینی که خالی از هر گونه زشتی و فرمایگی های باشد که بیناد خانواده و جامعه را متزلزل می سازد.

قریب الله (مطبع)

qarib@maktoob.com

پیشگفتار

این منشور که با همکاری و کوشش های دهها تن از دانشمندان و اندیشمندان اسلامی تهیه و آماده گردیده است، موضع و موقف شریعت اسلامی را در مورد حقوق زن و مسائل مربوط به وی که در عصر حاضر قضیه مهمی درساحات جوامع اسلامی بطور چشمگیر مطرح بوده و تمدن غرب مفتون آن گردیده، و غبار این فتنه بعضی از جوامع اسلامی و افکار برخی از فرزندان امت مسلمه را هم فرا گرفته است، بیان نموده و در دفاع از زن و حقوق وی، بسیاری از مسائل مربوط بیوی را طبق اوضاع پر آشوب و فتنه انگیز عصر کنونی بطور دقیق بررسی کرده و بشكل مختصر و مستند آماده و تقدیم نموده است.

مقدمه

الحمد لله والصلوة والسلام وعلى رسول الله وعلى آله وصحبه
أجمعين. این منشور موقف شریعت اسلامی را در مورد زن و
حقوق وی در جامعه بیان می کند، حقوقی که در عصر حاضر
قضیة داغ و مهمی بوده و پیرامون آن بحث و مناقشه در هر گوشه و
کنار صورت می گیرد، چون غرب گرایی با جلوه های سراب
مانندش در همه کشور های اسلامی گسترش یافته و می خواهند
فرزندان این امت را به بیراهه بکشانند، این پیام دلسوزانه بخاطر
پند و عبرت به فرزندان امت اسلامی تقدیم می شود تا فریب بی
دینان و اغوا کنندگان را نخورده و روزی به دام آنها نیفتدند، و باید
بدانند که خداوند عزوجل دستور و قانونی را که برای بشریت
وضع نموده موافق و مطابق و شایسته هر زمان و مکان بوده و
رحمت و عطوفت خداوند شامل حال همه است.

سازمان‌ها و گروه‌های بین‌المللی غربی با دیدگاه‌های سکولرستی و مادی گرایی منحظر و شهوانی شان، با همکاری و همدستی دولت‌های غربی، جهت هدف قراردادن ارزش‌های والای اخلاقی این امت تصمیم گرفته‌اند تا بصورت آشکار و شتاب‌زده، دشمنی خود را صراحةً اعلام بدارند.

حالاً که به همه، اسباب عجز و ناتوانی سیاستمداران در مقابل حملات و تجاوزات سیاسی و عسکری دشمن هویداً و قابل درک گردیده است، و در این مراحل حساس که امروز و فردا با آن مواجه هستیم، نباید دانشمندان و اندیشمندان امت اسلامی در برابر حملات فرهنگی و فکری دشمن نیز عاجزانه گوش نشینی را اختیار کرده و واکنشی از خود نشان ندهند زیرا دشمن قبل از جبهات مستحکمی را در این روند تشکیل داده و جهات معینی را در داخل امت اسلامی هدف حملات فرهنگی خویش قرار می‌دهند، تا

بدینوسیله باور و اعتماد فرزندان این امت را به شعائر دین شان تضعیف نمایند. شاید هم بتوانند روزی کشوری از کشورهای اسلامی را مورد حمله قرار داده نظام سیاسی آنرا از بین ببرند و یا نیروی عسکری آنرا از پا در آورده متلاشی سازند، لیکن تا وقتیکه مسلمانان اطمثنا و اعتماد شان را نسبت به دین مقدس شان از دست نداده باشند هرگز دشمن توان این را نخواهد داشت که بر ملت‌های مسلمان مسلط و مسيطر شود.

خداوند ﷺ می‌فرماید: ﴿وَدَّتْ طَآفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُعْلَمُنَّكُمْ وَمَا يُظْلَمُنَّ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾^{۶۹} آی عمران: ۶۹
 «گروهی از اهل کتاب آرزو داشتند کاش می‌شد شما را گمراه کنند و یا القاء شبه‌هایی در دیستان، شمارا از اسلام برگردانند، ولی با این کارها جز خویشتن را گمراه نمی‌سازند و نمی‌فهمند».

همچنان حَمَّلَهُمْ می فرماید: **﴿وَدُوَّلَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءٌ﴾**
النساء: ۸۹

«آنان دوست می دارند که شما کافر شوید همان گونه که خود کافر
شده اند و (در کفر با ایشان) مساوی شوید».

این حقیقتی است که قرآن آنرا ثابت می کند و یاری ملحوظ
موجب می شود تا مصلحان این امت گرد هم آمده با همدستی و
همدلی و اتفاق نظر توطئه های شوم آنها را که در ساحات مختلف
بویژه آنچه به زن تعلق می گیرد به امت اسلامی افشاء نموده از آن
جلوگیری نمایند.

در جمع آوری این وثیقه نامه کوشش شده تا با ذکر دلیل بدون
شرح مفصل آن بطور مختصر و فشرده به خوانندگان گرامی تقدیم
گردد..

این منشور حاوی مطالب ذیل می باشد:

- * سر آغاز و مقدمات اساسی.
- * اصول و مقررات شرعی مربوط به حقوق زن و وظایفش.
- * بیش توضیحی و تعلیلی به برخی از این اصول.
- * سفارش ها و درخواست ها.



سرآغاز و مقدمات اساسی

در مورد حقوق زن و وظایف وی مبادی و مقدمات اساسی شرعی و واقعی وجود دارد که هرگونه ترکیب واصول شرعی پیرامون آن را مورد بحث و بررسی قرار داده، خواسته ها و مسلمات آنرا تعیین می نماید، چنانکه راه علاج عوارض و پیش آمدهای مترقبه را نیز درمی یابد، که مهمترین آن از قرار ذیل است:

۱- اعتقاد قاطع براینکه یگانه مصدر خیر و حق، چه مربوط به امور دنیوی باشد و یا اخروی، همانا وحی الهی با دو اصلش، قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر ﷺ می باشد.

و به تعقیب آندو اصل پاک، اجماع ثابت شده و معتبر قرار گرفته و نظر به ارزش و اعتباری که در اسلام دارد در وقت ضرورت به آن رجوع شده و مخالفت با آن جایز نمی باشد، زیرا یکی از شروط و زیربنای ایمان بشمار می رود، خداوند ﷺ می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ هَقَنْ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ يَنْهَرُ ثُمَّ لَا يَحِدُّوْنَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا سَلِيمًا﴾ النساء: ۶۵

به پروردگارت سوگند که ایمان نمی آورند تا آنکه ترا در آنچه میانشان مایه اختلاف است، داور گردانند، آن گاه در آنچه داوری کردی، هیچ دلتنگی در خود نیابند و تسليم شوند به تسليم شدنی».

واز جمله امور معلوم و آشکار در دین، که باید هر مسلمان آنرا بداند، یگانه پنداشتن خداوند در آفرینش همه کائنات است، که بنده باید ایمان و یقین کامل داشته باشد که قانونگذار و حکم‌فرما، در همه شئون و عرصه های زندگی افراد و جوامع بشری، تنها و تنها الله تبارک و تعالی می باشد.

و در مورد یگانه پنداشتن خداوند در عبادت اینست که بندگان باید در تمامی امورشان، الله ﷺ را حاکم و داور خود گردانند، و به جز او کسی دیگری را به داوری برنگزینند.

۲- بنده مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که شریعت اسلامی در هر زمان و مکان قابل تطبیق بوده و اهلیت و شایستگی آنرا دارد، و قوانین و احکام آن، همه نواحی حیات بشری را دربردارد، و یقین و اعتماد کامل برهمه احکام و قوانین کلی و جزئی دین داشته باشد، و یداند که اسلام دینی متمکاملی است که کلیه امور خیر، عدل و مساوات، رحمت و شفقت را فراگرفته است. خداوند ﷺ می فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْفُرْمَانَ يَهْدِي لِلّٰقِيْهِ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَيْرًا﴾ (الاسراء: ۹) «قطععا این قرآن به آیینی که پایدارتر است راهنمون می گرداند و مؤمنان را که کارهای شایسته می کنند بشارت میدهد که پادشی بزرگی برایشان خواهد بود» آنچه سبب اعتماد و اطمینان در این مورد می شود، آنست که مصدر این قوانین و مقررات، خداوند

عزیز و حکیم است، ذاتی که بربندگانش لطف و شفقت می ورزد و بیا علم گسترده و حکمت کاملش مدبرا موراست، خداوند ج میفرماید:

﴿أَفَحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةُ بِيَعْنَوْنَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حَكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ المائدۃ: ۵۰
 «آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است» لذا درست کردن و اصلاح نمودن هرگونه خللی در هر حالت و در هر رابطه ای، لازم است که موافق به معیار شریعت باشد، خواه در درستی یا نادرستی، یا در حق باشد یا در باطل، و نباید این معیارها را دیگران که از نگاه دین و عقیده با ما ارتباطی ندارند و بیا هم آنعدد مسلمانانی که متأثر به ایدیولوژی آنها اند سنجش و تعیین نمایند، خداوند ج می فرماید:

﴿وَأَحَدَرْهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكُمْ عَنْ بَعْضٍ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ﴾ المائدۃ: ۴۹

«وازانان بر حذر باش، مبادا که ترا در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل
کرده، به فتنه در اندازند»

۳- به فرزندان امت اسلامی آگاهی داده شود تا از قوانین و مقررات وضع شده توسط بشرکه اغلبًا بر مبنای مخالفت با نصوص قرآنی و قواعد و اصول دین اسلام استوار بوده و با شعائر و ارزش‌های والای دین مغایرت دارد هرچند احياناً در ظاهر زیبا و پستنده جلوه نماید و شاید هم در بعضی از جوانب این قوانین گوشة از حقایق به نظر آید که آنهم بدون شک نتیجه سرشت پاک انسانی بوده که در ابتدای خلقت بر آن آفریده شده و با اینکه در نتیجه عقلانی بودن بشر چنین جنبه مثبتی در قوانین وضعی به نظر خواهد بخورد، بر حذر باشند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ﴾ النساء: ۸۲

«واگر- قران- از جانب غیر خدا می بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتد»

همچنان آگاه ساختن فرزندان این امت بر اینکه مصدر همه تبهکاری و فساد و گزندهای که بشریت چه مسلمان و چه کافر از آن شکایت داشته و رنج می برند همانا مغایرت و تباين قوانین وضع شده و خود ساخته آنها با اسلام و دوری ایشان از آیین و ارشادات اسلام که یگانه مرجع اساسی حق بوده، و آرامش و آسایش بشریت در آن نهفته است، می باشد، خداوند خاله می فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْأَرْضِ وَالْبَحْرِ إِمَّا كَسْبَتْ أَيْدِيُ النَّاسِ إِمَّا يُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ الروم: ۴۱

«فساد در بر و بحر آشکار شد به سبب عملکرد مردم» همچنان

او تعالیٰ ﷺ می فرماید: ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَنَ اللَّهِ

رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ الأنبياء: ۲۲

«اگر در آن دو- آسمان و زمین- جز خدای یگانه، خدایان دیگری وجود نداشت، قطعاً میان و آسمان هر دو تباہ می شد، پس منزه است خداوند پروردگار عرش، از آنچه وصف می کنند».

۴- مسلمان باید متیقн بوده و ایمان کامل داشته باشد که دین اسلام یگانه دینی عدل است، و لازمه و خواست عدل اینست که میان دو هم جنس مساوات برقرار کند، و دو جنس مختلف را وقتیکه امکان مساوات میان شان نباشد، از هم جدا کند.

وکسیکه ادعا می کند که اسلام دین مساوات بدون قید و شرط است، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، زیرا مساوات

مطلق گاهی هم نیاز به عملی نمودن مساوات میان دوچیز متفاوت و مختلف را ایجاب میکند، که این در حقیقت ظلمی آشکار است، و کسانی که برداشت شان از مساوات، عدل است، آنها معنای درستی را از کلمه مساوات برداشت نموده اند ولی در لفظ آن به خط ارائه اند، زیرا یک حرف از قرآن کریم هم امر به مساوات مطلق ننموده است، بلکه امر به عدل ننموده است، چنانکه خداوند عز و جل می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ الحل: ۹۰

«در حقیقت، الله به عدل و احسان امر میکند» چه بسا احکام و قوانین شریعت اسلامی بر اساس عدل استوار است، و مساوات را در صورتی مرااعات مینماید که در آن عدل باشد، و همچنان تفاوت در صورتی میگذارد که در آن عدل برقرار نباشد، خداوند می فرماید:

﴿وَتَمَتَّعْتَ كَلِمَتَ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتَهُ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ الاسد: ۱۱۵

«وسخن پروردگارت به صدق و عدل سرانجام گرفته است، کلمات

اورا دگرگون کننده ای نیست، واوشنوای داناست» یعنی صدق در اگاهی، و عدل در احکام. لذا اسلام زندگی و روابط بشریت را بر اساس عدل تا آخرین حد بربا نموده و استوار نگه میدارد، پس عدل در هر حالت ویا هر کسی و از هر انسانی مطلوب است، خداوند خالق میفرماید:

﴿وَلَا يَجِدُونَ كُمْ شَكَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَأَنَّقُوا أَنَّهُ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ الملائكة: ۸

(ودشمنی قومی، شمارا برتر ک عدالت و اندارد، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است».

۵- در مورد روابط میان بشر، جاهلیت غربی عصر حاضر، به نظریه (فردی) معتقد بوده آنرا معیار اساسی قرار داده است، که به طبیعت حال و از روی منطق نتیجه و سرانجام این طرز فکر چنین خواهد شد که پیروانش تسلیم بر آن گردند که یقینا علاقه و رابطه

میان انسانها بر اساس کشمکش‌ها و غالب آمدن یکی بر دیگری، و خودخواهی و بخالت، و تنگی بر دیگران بوده و کمک، همکاری، دستگیری، بخشش، ایثار و فدایکاری در جوامع آنها راهی نداشته و ندارد. این همه دگرگونی حاصل و ثمره کجری از جاده حقیقت و از راهی که خداوند عز و جل آنرا برای بشریت وضع نموده است، می‌باشد. پس کشمکش‌ها و اختلافات میان زن و مرد، و حقوق متعلق به هر یکی از آنها، که اجندای کنفرانسها و محافل جهانی را در این وقت و زمان تشکیل می‌دهد، همه نتایج میراث تاریخ و فرهنگ غرب است که ریشه‌های دینی - تحریف شده - آنرا تقویت کرده و مفکرۀ عداوت و دشمنی میان زن و مرد را ازلی معرفی می‌نماید، و زن را سبب و مصدر اساسی همه اشتباهات می‌خوانند، این میراث تاریخی غرب شاید با بعضی از فرهنگ‌ها و آیین‌الوژی‌های دیگر خلط خورده و همسیر گردیده باشد، ولی بدون شک و با تأکید،

باشریعت اسلامی و فرهنگ مسلمانان هیچ رابطه و نسبتی نداشته و ندارد. در آیین اسلام زن و مرد این حق را ندارند که حقوق را تعیین نمایند، بلکه یگانه کسیکه حقوق همه را مقرر و تعیین می نماید، خداوند لطیف و داناست، که فرموده است: (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ

۱۸۹ مِنْ نَفْسٍ وَجَلَدَهُ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا) الاعراف:

«اوست کسی که شمارا از نفس واحدی آفریده و همسرش - حوا - را ازوی پدیدآورد تا - آدم - بدان آرام گیرد - و انس یابد -».

اما بی عدالتی، جور و ستم، سلب و تلف حقوق در محیط زیست مسلمانان و بخصوص در زندگی بعضی از خانواده ها که به مشاهده می رسد اسباب و علل مختلفی داشته که در این منشوریه دو مورد آن اشاره می شود.

اول اینکه آنها به اصول و مقررات دین مقدس اسلام توجه و متمسک نبوده، قوانین و فرهنگ غربی را سرمشق امور خود قرار داده اند، دوم اینکه از رسم و رواج‌های فرسوده که مخالف شریعت اسلام بوده تقلید و به آن عمل نموده اند، که بلاخره منجر به معضله‌های گوناگون شده و در نتیجه از آن صراط مسقیمی که خداوند عزوجل برای سعادت بشر تعیین فرموده منحرف شده به بی‌راهه رفته اند و سبب همچو بی عدالتی‌ها در مجتمعات ایشان شده است.

۶- جنگ و مبارزه کافران از ابتدای درخشیدن نور اسلام و پایداری آن، علیه مسلمانان آغاز گردیده واستمرار خواهد داشت، خداوند نه می فرماید:

﴿وَلَا يَرَأُونَنَّكُمْ حَقَّ يَرُدُوكُمْ عَنِ دِينِكُمْ إِنِّي أَسْتَطِعُو﴾ النور: ۲۱۷

«واینان همچنان- مستمرآ- باشما پیکار میکنند تا اگر بتوانند شمارا از دین نان برگردانند».

و توأم با تسلط کفار بر مسلمانان که گاهی رخ داده است، گروه منافقان نیز میان مسلمانان عرض اندام نموده، و آنچه را که در قلب می پرورانیدند، با موضع گیری هایشان آشکار ساخته، و کسانی هم پیدا شده که دنبال آنها رفته اند، از اینرو باید مبارزه جدی و تصفیه حساب با این گروه فتنه انگیز صورت گیرد، چنانکه خداوند حَمَّلَهُ مَسَأَةَ مَنْ می فرماید:

﴿بَتَّأْبِهَا النَّقْيُّ جَهِدَ الْكُثُّارَ وَالْمُنَفِّقِينَ وَأَغْلَظَ عَلَيْهِمْ وَمَا وَنَهُمْ جَهَنَّمَةُ وَبِئْسَ الْمَعِيرُ﴾ التحریم: ۹

«ای پیامبر! علیه کافران و منافقین جهاد کن ویرانان غلظت کن، و جایگاه شان دوزخ است، و چه بد سرانجامی است!». و می فرماید:

﴿هُوَ الْعَدُوُ فَلَا حَذَرَهُمْ فَتَلَاهُمُ اللَّهُ أَنَّ يُوقَدُونَ﴾^۴ المناقون:

«آنان خود دشمن اند، پس از آنان بر حذریا، خداوند هلاک شان کند، چگونه بیراهه می روند؟!»

چنانکه لازم است مسلمانان، از راه و روش فریبکارانه بسیاری از آنان که نصوص شرعی- آیات و احادیث- را تحریف و تأویل نموده و معانی و الفاظ و یا مفهوم و مقصود آن را، با پیشکش نمودن شباهت باطل و بی اساس، برای مردم ارایه میدارند، آگاهی داده شوند. همچنان لازم است دنباله روان حلقه بگوش این گروه مکارکه تحت تاثیر شکست مادی و معنوی، که در عصر حاضر گریبان گیر آنان شده، نصیحت و توجیه و راهنمایی شوند، تا همچو مردمان فریب خورده ساده لوحیکه حس عزتمندی و افتخاریه احکام و قوانین این دین عزیز در وجود شان ضعیف شده و زیر تأثیر تبلیغات و شباهت

گمراه کننده این گروه منافق رفته اند، به خود آمده، و به عزت و اعتلای دین اسلام پی ببرند.

أصول وضوابط شرعی درمورد حقوق و وظایف زن

در تاریخ اسلام و مسلمانان مشکلی بنام (مسایل زن) چه در اوج قدرت و عزت شان، و چه در زمان ضعف و شکست آنان وجود نداشت، ولی هنگامیکه غرب و فرزندان غرب زده شان، امراض ورنجهایی گوناگون را با تبلیغات شان در جوامع بشری-که کشورهای اسلامی نیز شامل آن می‌باشد- انتقال دادند، مسایل و پیامدهای بنام (مسئله زن) مطرح گردید که گویی هیچ موضوع مهمتری جز مسئله زن قابل بحث و مناقشه نیست، غربی‌ها و دنباله روان آنان صدای این آزادی زن را در جامعه مسلمانان بر اساس طرز فکری سیکولرسی غربی بلند نمودند. لذا لازم می‌بینیم که بعضی از اصول وضوابط شرعی مربوط به زن را که دین می‌بین اسلام آنرا مقرر و تعیین نموده بیان نماییم:

۱- زن طرفی از دو جنس بشری بشمار می‌رود، خداوند ﷺ می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ خَلَقَ الْزَوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى﴾ النجم: ۴۵ «و اوست که جفتهای نر و ماده را می‌آفریند» چنانکه زن پاره و جزوی ازیک نفس انسانی است، خداوند ﷺ می‌فرماید: ﴿يَأَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُقُوْرَيْكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَجَنَّوْهُ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ النساء: ۱ «ای مردمان! از خشم پروردگار تان بپرهیزید، پروردگاریکه شمارا ازیک انسان بیافرید و سپس همسرش را از او پدید آورد».

پس زن در اصل و منشأ و سرنوشتیش، خواهر مرد بوده، و در راه آبادی و بهبودی جامعه - دراموری که به هر کدامی آنان تعلق می‌گیرد - همراه وهم مسیر است، همچنان در مسایل عامه دینی، مانند توحید و اعتقاد، پاداش و کیفر، و بالآخره در همه قوانین و مقرراتی

که مربوط به حقوق و وظایف آنها است فرق و تفاوتی میان این دو جنس وجود نداشته و ندارد، خداوند نَحْنُ می فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْكِمَنَّهُ حَيَّةً طَيْبَةً وَلَنَعْجِزَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِإِلْحَسْنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ النحل: ۹۷

«هر کس از مرد یا زن که کار نیک کند و او مومن باشد، بی گمان به زندگی پاک و پستنده ای زنده اش میداریم و مسلم است که آنان بر حسب نیکوترین آنچه می کردند، پاداش می دهیم» و پیامبر بزرگ اسلام نَحْنُ می فرمایند: (إِنَّمَا النِّسَاءُ شَفَاقَةُ الرِّجَالِ) نزد ابو داود و ترمذی «همانا زنها، خواهران مردان اند» از اینرو میزان عزت و کرامت در نزد خداوند نَحْنُ تقوا و پارسایی است، چنانکه خداوند نَحْنُ می فرماید:

﴿إِنَّ أَكَرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْمٌ خَيْرٌ﴾ الحجرات: ۱۳

«بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا، متغیر ترین شماست» و هیچ تعبیر دقیق، بلیغ و رساتری از این لفظ در خواهیم یافت، هنگامیکه

خداوند عزیز فرمود: ﴿بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ آل عمران: ۱۹۵ «همه از همدیگرید». یعنی: مردان شما در طاعت الله تعالی مانند زنان شما هستند، وزنان شما مانند مردان شما، زیرا هر دو جنس، انسان آدم و خواه بوده و هر دو جنس مکلف می باشند.

همچنان خداوند عزیز فرموده: ﴿فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيقُ عَمَلَ عَنِّي لِمَنْ كُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ آل عمران: ۱۹۵ «آنگاه پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شماراکه به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضایع نخواهم کرد، پاره ای از شما از پاره دیگر هستید».

پس هر دو نوع زن و مرد در مفهوم و معنای انسانیت، و در علوم احکام و قوانین دین و میزان عدل الهی باهم برابرند.

و حکمتی را که خداوند آفرید گاره‌گان لازم دانسته اینست که زن با مرد در آفریش، هیئت و تکوین برابر نباشد، و همین اختلاف و تفاوت‌های که در نهاد هر دو جنس گذاشته شده، سبب می‌گردد که فرق و تفاوت‌های در توان و نیروی جسمانی و عواطف و خواسته‌ها و اراده‌های آنان نیز ظاهر گردد.

خداوند حَمْدَه می‌فرماید: ﴿وَلَيَسَ اللَّهُ كَأَلْأَنْفَقُ﴾ آل عمران: ۳۶ «پسر مانند دختر نیست».

و در مورد زن می‌فرماید: ﴿أَوَمَنْ يُشَوُّ فِي الْحِلْمَيْهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ عَيْرُ مُبِينٍ﴾ الزخرف: ۱۸ «آیا کسی را که در لابای زینت و زیور پرورش می‌یابد، ویه گفتگو و کشمکش دریحث و مجادله نمی‌تواند مقصود خود را خوب و آشکار بیان و اثبات کند». تفاوت و اختلافی که هر کدام، زن و مرد بر آن سرنشت شده‌اند، سبب شده

تا حکمت‌ها و احکامی در مورد طرفین ایجاد شود، این اختلاف که البته نظر به حکمتی که خداوند عز و جل دانا و آگاه آنرا بهتر می‌داند، تفاوت‌های را در بعضی از جوانب تشریعی، کار و وظیفه، که با تکوین و خصوصیت‌های دو جنس سازگار است، لازم گردانیده است. خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ بَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (الاعراف: ۵۴)

«آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است». پس اراده آفرینش عالم هستی که خداوند عز و جل آنرا مقدار گردانیده، با اراده دینی و شرعی خداوند عز و جل در اوامر و احکام و تشریعات، هر دویاهم در شان زن و مرد یک‌جاشده تا مصالح عامه، و آبادی جهان و تنظیم حیات فردی و اجتماعی بشریت تأمین گردد.

۲- براین حقایق ثابت، احکام شرعی عام مرتب می شود تا این حقیقت را ثابت و استوار نگه دارد، مانند احکام متعلق به خانواده، چون خانواده در نظام اسلامی یگانه زیر بنا و نهاد جامعه بشمار می رود، پس نظر به قوت و همبستگی خانواده، آسودگی، شایستگی، امنیت و آرامش جامعه نیز تأمین می شود. نقش خانواده در اسلام بسیار مهم بوده و اهداف و مرام بزرگی همچو آرامش، رحمت و مهربانی و عطوفت میان افراد جامعه را محقق میسازد. خداوند ﷺ می فرماید: ﴿ وَمِنْ أَيْنَ هُوَ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَنْوَجَأَ لِتَشْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ﴾ الروم: ۲۱

ویکی از نشانه های- عظمت- خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تادر کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت اندداخت» بسویژه نقش زن در قوت

و همبستگی خانواده مهم و بینادی بوده و یروز هرگونه هرج و مرج و بی غوری زن در مورد خانواده، انعکاس بدی بر افراد خانواده دارد، پس جامعه سالم با تصمیم قاطع و دوراندیش، دربرابر بی خردی و ندانی های جاهلیت عصر حاضر که از مقام زن کاسته و نقش وی را در خانواده نادیده گرفته و مسئولیت های سنگین خانوادگی که بدش دارد آنرا بی اهمیت جلوه میدهند، ایستادگی جدی نمایند چون زن مسلمان واقعاً بخاطر مصالح خانواده و جامعه مسئولیت بس بزرگی را متحمل می شود.

در مقابل بر مرد لازم است رنج و مشقت کار و برآورده ساختن نیازمندی های خانواده را که شریعت اسلام بروی واجب گردانیده است متحمل شود. خداوند ﷺ می فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ إِمَّا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَّإِمَّا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ النساء: ۳۴

« مردان بزرگ و حاکم اند، به سبب آنست که الله ﷺ برخی آدمیان را بر برخی، برتری داده است ».

همچنان الله ﷺ می فرماید: ﴿ وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ﴾^{۱۲۸} البقرة: ۲۲۸

« ویرای زنان است - بر عهده مردان - همانند آنچه بر عهده زنان است بطور پسندیده و - لیکن - مردان را برآنان (زنان) درجه ای برتری هست ».

بزرگی و حاکم بودن مرد به این معنی است که وی رهبری و قیادت جامعه کوچک یعنی خانواده را بدوش دارد که وی شرف آنرا حاصل نموده و نباید از توانمندی خود سوءاستفاده نموده و راه ستم پیش گیرد.

قیادت مرد بر خانواده به مصلحت زن و همه افراد خانواده است، زیرا مسئولیت نفقة و تهیه نمودن خوراک و پوشاسک، حفظ و نگهداری آنها همه و همه بر مرد واجب است، لذا باید از رئیس خانواده اطاعت درست صورت گیرد، البته اطاعت در کاهای نیک و شایسته، و نه اینکه فرمانبرداری مطلق. پیامبر ﷺ می فرمایند: «همانا اطاعت در معروف است» متفق عليه. یعنی اگر مردی خانواده اش را به معصیت و نافرمانی خداوند ﷺ امر نماید، پس در چنین حالت اطاعت وی بر اعضای خانواده لازم و واجب نیست.

-۳- مرد مکلف است نفقة زن را بدوش گیرد، زیرا نفقة حق مسلم زن، و نصیب فرض شده وی در مال مرد است، که از وی در حالت قدرت و توان ساقط نمی گردد، خداوند ﷺ می فرماید:

﴿إِنْفَقَ ذُو سَعْةً مِنْ سَعْيِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلَا يُنْفِقْ مِمَّا أَنْذَهَ اللَّهُ لَا يُكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا أَتَاهَا سَيَّجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ الطلاق: ۷

«باید که خرج کند توانگر از توانگری خود، و آن کس که بروی روزی اش تنگ شده است پس باید از آنچه که خداوند عز و جل به او بخشیده است خرج کند. خداوند عز و جل هیچ کس را جز به آنچه به او بخشیده است مکلف نمی کند به زودی خداوند عز و جل پس از تنگدستی آسایشی را پدید خواهد آورد».

و این نفقة حق ثابت و مسلم زن بوده ریطی به حقوق و اموال شخصی زن که در تصرف وی است ندارد، زیرا زن در اراده و آنچه که تحت تصرفش است آزادی واستقلالیت برابر با مردان دارد، و این حقیقتی است که شریعت پاک اسلام آنرا تعیین و مقرر نموده است. جاهلیت عصر حاضر که تا نیمة دوم قرن بیستم دوام کرد، زن را درگرد آوردن مال و مصرف نمودن آن، کم اهل و ناقص معرفی نموده- چنانکه در قوانین و مقررات لاتینی وجود دارد- امادرن نظام و مقررات اسلام، زن در این حوزه شخصیتی مستقلی مانند مرد

شمرده شده وازا ها لیت کامل برخوردار است، و تفاوتی در این عرصه میان زن و مرد گذاشته نشده است.

۴- رابطه میان زن و مرد در جامعه اسلامی و داخل خانواده، بر اساس تکمیل کننده یکدیگر در نقشهای مربوط به هردو جانب می باشد- یا میتوان تکمیل کننده وظیفوی آنرا نامید- و از جمله اهداف و مقاصد این همبستگی تکمیلی میان زن و مرد اینست که مرد آرامش و اطمینان خاطر، دوستی و محبت و رحمت را در این رشته دریابد، چنانکه خداوند عزیز می فرماید:

﴿ وَمَنْ أَيْنَتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ﴾ الروم: ۲۱

و از آیات- عظمت- او تعالی این است که از خودتان برایتان همسرانی آفریده تابدانها آرام گیرید و در میان شما مودت و رحمت نهاد.»

لفظ سکون کلمه‌ای است که هیچ تعییری رسا ویلیغی در زیان عربی مانند آن وجود ندارد، و شاید در زیانهای دیگر نیز همچو معانی که این کلمه در بردارد، وجود نداشته باشد، کلمه سکون چند معنایی را در بردارد مانند: امن، راحت، اطمینان، آرامش، انس و محبت که وجود همچو صفات تاثیر و انعکاس مثبت بر خود همسران و فرزندان شان، ویلاخره بر همه افراد جامعه دارد. پس هنگامیکه فرق و تفاوت در صفات بدنی و نیروی جسمانی و روانی هر دو جنس وجود داشته باشد، بدیهی است که در وظایف زندگی اجتماعی نیز تفاوت‌های ایجاد خواهد شد، از این‌رو متمم بودن دو جنس در وظایف و مسئولیت‌ها و حقوق، ثمره و حاصل عدل و انصافی است که آیین اسلام همچو روابط و علائق را استوار و پایدار نگهداشته است.

بنابراین شریعت اسلامی حوزه کار و عمل مرد و نوعیت آنرا در زندگی اجتماعی مقرر و تعین نموده است، چنانکه میدان کار

و عمل اساسی زن و نوعیت آنرا نیز نشانه گزاری و محدود ساخته است. این مقررات و محدودسازی های وظایف زن و مرد را عقل سليم و سرشت و فطرت راست و مستقیم پذیرفته و می پذیرد، بلکه با آن سازگار وهم آهنگ می شود، و سرانجام موجب تکامل، توازن، امن و آرامش اجتماع شده بدون اینکه یک جهت سنگینی مسئولیت را بیشتر از حد وتوان جسمی اش، و آنچه که رسم و عادات برآن معمول است، بردارد.

لذا تحمیل نمودن وظایف و مسئولیت های مرد بربزنهای زن، بدون نیاز شخصی زن و یا جامعه، ظلم و جور محسوب می شود، زیرا اینکار نه تنها تجاوز بر عدل و دادی که در مورد حقوق و واجبات آنها تعیین و مقرر شده می باشد، بلکه تعریض و بی احترامی بر کرامت و حقوق زن تلقی می شود.

۵- حالا که محدوده وظیفه زن در زندگی اجتماعی مشخص شد، سخن حتما متوجه تعلیم زن می شود، از اینرو ما تأکید بر آن داریم که تعلیم زن در اموری که بندۀ جز بوسیله آن پروردگارش را پرستش نمیتواند، مانند فرایض مربوط به ایمان و یا فرایض عبادات وغیره واجب شرعی است که زن و مرد در این مورد باهم برابر و مشترک اند، پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

«آموختن علم و دانش بر هر مسلمانی واجب است» روایت ابن ماجه.
 پس تحصیل و آموختن علوم و معارف، نظر به وظیفه و مسؤولیت هر یکی (زن و مرد) بر آنها لازمی و واجب میگردد، اما آموختن علوم و معارف بیشتر از آنچه ذکر شد، از جمله امور مستحبی است که نباید بر دیگر واجبات ضروری متعلق به امور دنیوی و اخروی تنگی و فشار آورد.

۶- شریعت اسلامی که حمایت کننده سرشت انسانی بوده و بر عدل استوار است، حامی و نگهبان حقوق زن در جامعه می باشد، و نسبت به قوانین و مقررات تصویب شده از جانب سازمان ملل متحده مربوط به حقوق انسان، اهمیت فراوانی به حقوق زن قابل است. در حالیکه جاھلیت عصر حاضر این حقوق را نادیده گرفته و اگر بی حرمتی و تجاوزی بر آن صورت گیرد، توجه و التفاتی به آن نمیکند.

بطورمثال: حق زن در ازدواج مطابق احکام و قوانین شریعت اسلامی، و حق وی در مادر بودن، و حق وی در مورد اینکه خانه داشته و مسئولیت آنرا بدوش گرفته بتواند و مانند زمامدار کشوری کوچکی سرپرستی امور به او تعلق بگیرد، و موقع و فرصت کامل بوی داده شود تا وظایفی که موافق با سرستش است آنرا بصورت درست اجرا نماید.

لذا هرجامعه و هرگونه قانونی که مانع ازدواج زن گردد، و مجال وساحه را بروی تنگ نماید، در حقیقت حقوقش را پایمال نموده و ظلمی بزرگی را بروی روا داشته است.

زن در شریعت اسلامی حق دارد تا همسر و همسفر زندگی خویش را در محدوده فرموده پیامبر ﷺ برگزیند، چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده اند: «هرگاه کسی از دختر شما خواستگاری نماید و شما از اخلاق و دین پسر راضی باشید، پس وی را نامزدش سازید» روایت ابن ماجه.

زن میتواند - در حالت عدم پایداری زندگی زناشوهری - از ادامه زندگی باشوه رکنارفته، و عقد را فسخ نماید، و در این مسأله دلایل و نصوص صحیحی وارد است که آنرا تأیید می کند، پس لازم است در هنگام اختلاف و یا اجتهاد در احکام، به آن مراجعه شود.

۷- نگهداری عفت و آبرو یک اصل شرعی عام بوده و شامل مقاصد شرعی می باشد، مقاصد شرعی عبارتند از: حفظ دین،

نفس، آبرو، عقل، و مال که علماء بر حرمت و حیثیت آن اتفاق نظرداشته اند و تمامی احکام و مقررات شرعی بر مبنای آن اتخاذ می گردد، پس هرگونه عییجویی در آن مردود شمرده شده و در حقیقت تخطی و تجاوز بر شریعت اسلامی و اهداف والای آن، و جامعه اسلامی محسوب می شود. و هرگاه غرب در مسئله مربوط به حقوق زن در اسلام انگشت انتقاد را متوجه سازد، در حقیقت از خط قرمز عبور کرده و این حق مسلم زن مسلمان را پایمال کرده اند، و در مجموع این عملکرد آنها تعرض به شریعت و مجتمع اسلامی شمرده می شود، و اگر جلو آنان گرفته نشود سبب نشر وشیع فواحش و رذائل همانطوریکه در میان خود شان بوقوع پیوسته، خدا نا خواسته در میان مسلمانان نیز سرایت می کند.

خداوند علیه السلام می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشْيَعَ الْفَنَاحَةَ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ النور: ۱۹

«به راستی کسانی که دوست دارند، فاحشه درمیان کسانی که ایمان آورده اند، شایع شود برایشان عذابی در دنیا و آخرت است، و خداوند می داند و شما نمیدانید».

لذا قانون گذار حکیم و دانان الله احکامی را بخاطر حفظ و حمایت این مبدأ وضع نموده، از جمله ازدواج میان مرد با زن را قانون گذاشت، و این رشتہ زنا شوهری را پیمان قوی نامیده است، چنانکه الله الله فرماید: ﴿وَأَخَذَتْ مِنْكُمْ مِّنْتَقًا غَلِيلًا﴾ النساء: ۲۱ «زنان پیمان محکمی - هنگام ازدواج - از شما گرفته اند». و بخاطر مصیون بودن این مبدأ از بسی حرمتی و تجاوز، قوانین و مقرراتی و قایویی را وضع نموده که بالای مرد وزن یکسان تطبیق می شود و

باید جدی آنرا مدنظر بگیرند. و راههای منتهی به اعمال زشت و ناهنجار را کاملاً مسدود کرده است. بطور مثال اختلاط زنان با مردان نامحرم و یا خلوت با نا محترمان، خصوصاً سخن گفتن زن با مرد نامحرم به نرمی و ملایمت، چنانکه زنان فتنه گر همچو اعمالی را انجام می‌دهند، وغیره اموریکه عواقب زشت و خلاف اخلاق و تربیه اسلامی دارد، ممنوع قرار داده و آنرا ناروا شمرده و مرتکبین آنرا موجب عذاب گردانیده است.

همچنان شریعت اسلامی در مورد شیوع و انتشار فواحش در مجتمع اسلامی، برکسانی که خواهان و آرزومند همچو اعمال زشت هستند، نیز باتندی و شدت رفتار نموده است. به همین منظور احکام مربوط به حجاب و عدم نگریستن بسوی نامحرم را دستور داده و بر تجاوز کاران این مبدأ عقوبات های مانند حد زنا، وحد

قذف (تهمت)، و تعزیرهای مختلفی را بخاطر حفاظت و حراست آبرو، و محترم شمردن پاکی و عفت افراد جامعه وضع نموده است.

خداؤند حَمْلَة زنا را برابر هر دو جنس - زن و مرد - حرام قرار داده و آنرا از امور زشت و قبیح پنداشته است، خداوند حَمْلَة می فرماید:

﴿ وَلَا نَقْرِئُوا الزِّفَنَ إِنَّهُ كَانَ فَحْشَةً وَسَاءَ سَيِّلًا ﴾ الإسراء: ۳۲

«و به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است»

- حجاب سنگر و قلعه مستحکمی است که از عفت و آبروی زن حفاظت نموده و مانع پخش فواحش و رذالت می گردد، چنانکه حجاب مظهر و نمای افتخاریه آداب شرعی بوده، پاکی و عفت مرد زن و جامعه را وارسی و تحقق می بخشد. حجاب زن مستحب نبوده و تنها رمز و نشان، مربوط بموی نیست که هرگاهی بخواهد پیکرش را با آن بآراید، و هر وقتیکه خواسته باشد آنرا ترک نماید، بلکه حجاب واجب دینی است که خداوند تعالی حَمْلَة آنرا بر زنان

لازم گردانیده، تا از هرگونه زشتی مقصوون بمانند، و عفت و پاکی خویش را همچو مادران مؤمنان - همسران پیامبر بزرگ اسلام ﷺ - اعلان نمایند، تا شهوت رانان به آنان طمع نورزند، چنانکه خداوند ﷺ می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّتِيْهُ قُلْ لَاَزْوَاجَكَ وَبَنَائِكَ وَنَسَلَةَ الْمُؤْمِنِينَ يُذْفَنُ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَّيْبِهِنَّ

ذَلِكَ أَدْقَنَ أَنْ يُعْرَفَنَ فَلَا يُؤْذَنُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ الاحزاب: ۵۹

«ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مومنان بگو که روپوش های خود را جمع و جور برخویش فروافگنند. تا این که از زنان بی بندویار - دست کم بازشناخته شوند، و در نتیجه مورد اذیت و آزار (اویاش ها) قرار نگیرند، خداوند آمرزنده و مهربان بوده و هست.»

دشمنان اسلام توطئه و جنگ علیه حجاب را بصورت آشکار آغاز نموده و در این مبارزه شهوت پرستان مسلمان نما و مردمان

فساد پیشنه، همگام با آنان علیه مقدسات دینی برخاسته اند، و شاید هم گاهی مفکوره و نظریه پلیدخویش را راجع به حجاب پنهان نموده و در ظاهر آنرا پذیرنده، لیکن با مسخ نمودن حقیقت حجاب و دگرگون ساختن و جهت دادن آن بسوی فرهنگ و عنعنه قلابی، که پذیرش هرگونه تکامل و اختصار را دارد، اهداف شوم خویش را پیاده نموده، غایت و مرام آنرا کاملاً ریشه کن و از میان می بردارند. و هرگاه اهمیت و ارزش حجاب و بهای مربوط به آن را درک نماییم، شک و شبههای را که دشمنان ایجاد کرده اند همه زائل شده به دسایس آنها اطلاع پیدا می توانیم، و برای ما آشکار می شود که غرب شب و روز در توطئه چینی و جنگ علیه حجاب بوده و عداوت قدیمی که با دین اسلام دارند می خواهند انتقام را تا جایی از این راه و بدین وسیله از مسلمانان بگیرند. امروز غرب در مقابل حجاب از خود حساسیت نشان داده و زنان پابند به

حجاب را زیر فشار قرار می دهد زیرا بر آنان سنگینی میکند که زن مسلمان مستور و با عفت، وزنان خود را مثل حیوان دریابند، حال آنکه هیچ لباسی مربوط به طایفه های دینی دیگر، یا سایر نژاد های بشری مورد فشار قرار نمیگیرد طوریکه زنان با حجاب مسلمان زیر فشار اند! البته شواهد و اسناد بسیاری وجود دارد که زنان با حجاب در کشورهای غربی که ادعای دفاع و حمایت از حقوق شخصی را دارند، و یا در بعضی از کشورهای اسلامی و عربی که قوانین آنها مبتنی بر سیکولرزم است، چگونه تحت فشار و مزاحمت های قانونی و عملی گوناگونی قرار دارند، و کسانی که اوضاع جهان را تعقیب و پیگیری می نمایند، در این مورد بهتر آگاهی دارند.

۹- پس زمانیکه حجاب قانونی استوار و متبین، و فریضه ثابت و مسلم بخاطر حفظ کرامت زن و مجتمع اسلامی است، بخاطر نگهداشت مبدأ عفت، قانونی دیگری نیز مربوط به آن وضع گردیده

و آنرا تقویت بیشتر بخشیده است که عبارت است از مباح بودن تعدد یا چندزی نی مرد، که متاسفانه بوسیله رسانه های اطلاعاتی دشمن، و از لابلای عملکردهای نادرست بعضی ها، صورت حقیقی آن را زشت جلوه داده اند. با وجود آنکه واقعیت عملی این قانون- حتی در جوامع غیر اسلامی نیز در بلند بردن مقام و منزلت و ارزش زن کمک به سزاگی نموده است. بخاطر توضیح بیشتر در این مسأله میتوان مقایسه کرد میان جوامعی که قانون تعدد در آن حکم فرماست که چگونه زن از منزلت و قیمت بزرگی برخوردار شده است، و در مقابل جوامعی که زن را از این حق محروم گردانیده اند، چگونه کم ارزش و مسلوب الاراده شده و حق شخصی ایشان تلف شده است. پس تعدد- چندزی- قانونیست ثابت و استوار، مشروط براینکه میان همسران عدالت صورت گیرد، تاعزت و کرامت زن تحقق یافته و ازدواج وی به شکل آسان، و با کرامت

و عفت صورت گیرد، وزندگی مرده و سعادتمند نصیبیش گردد. البته صرف نظر از حالاتی که در آینده شاید واقع شود مانند بیوه گی، طلاق و بزرگسالی که آنهم مسائلی علیحده است، اما در مقابل حالات اجتماعی زیادی است که راه حل آن جز با تعدد یا چند زنی امکان پذیر نیست، مانند عقیم بودن زن، یامریضی، و یا طبیعت و چگونگی کار و پیشنهاد وی، و یا وضعیت قانونی مانند تابعیت وی، و حالات دیگری که در همه حالات فوق بدیلی برای تعدد، جز طلاق وجود ندارد، یعنی باید همسر را طلاق نماید تا بتواند با دوشیزه دیگری ازدواج کند و طبیعی است همسر طلاق شده در وضع بحرانی قرار گرفته و شاید هم بی سرنوشت شده و باردوش جامعه گردد، اما اگر در موجودیت همسر اولی با زنی دیگری ازدواج کند، و عدالت را میان آنان برقرار سازد، همه خانواده سعادتمند خواهند شد. ولی در مجتمعاتی که تعدد زوچات ممنوع

است در حالات فوق الذکر (عقیم بودن، مریضی دوامدار..) همسر مجبور می شود به طلاق متسل شود تا بتواند با دیگری ازدواج کند که این اقدام از یکسو ظلمی است که بر زن واقع می شود و از سوی دیگر به شوهر هم صدمه روحی وارد میگردد، در حالیکه هردو راحت و سکون و آرامش برای یکدیگر بوده اند، علاوه بر این چندزنی دریسیاری از احیان سبب حفظ کرامت کودکان می گردد، بویژه یتیمان و آنعده کودکانیکه پدران خود را از دست داده و ازمه ر و محبت پدر محروم گردیده، آوارگی و یادا خل شدن به دارالایتمامها سرنوشت آینده آنان را مجھول ساخته است پدر بدیل و مناسب ترین حل برای همچو حالات خواهد بود، خداوند ﷺ می فرماید:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَإِنَّكُمْ حُوَّا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَشَّنَّ وَثَلَّكَ وَرِبَّعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَا تَعْلِمُوْ فَوْجَدَهُ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانَكُمْ ذَلِكَ أَذْنَقَ أَلَا تَعْلُمُوا﴾ النساء: ۳

«واگر ترسیدید که در باره یتیمان نتوانید عدالت و دادگری کنید، پس بازنان دیگری که- برای شما حلالند - و دوست دارید، با دویاسه یا چهارتا ازدواج کنید، اگر می ترسید که نتوانید میان زنان عدالت را مراحت کنید، به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نماید، این نزدیکتر به آن است که ستم نکنید»

پس اسلام یگانه مرجعی است که به مصالح همه اعم از مردان و زنان رسیدگی نموده و اهداف و مقاصد ازدواج برای طرفین را محقق می سازد، و هرگونه نیازمندی های روانی و اجتماعی آنان، اعم از عفت، آرامش فرزند را متوفر می سازد، هر چند اگر گاهی به رغبت های بی موقع و یا مصلحت های محدود و یاریک متعلق به زن شوهردار - بیوه - تعارضی هم ایجاد گردد.

بیش و نمای این منشور

۱- دین اسلام بعد از آنکه مساوات میان مرد و زن را در دائره انسانیت و کرامت بشری، و حقوقی که ارتباط مستقیم به سرشت و طبیعت مشترک بشری می گیرد، تضمین نموده مساوی بودن آنها را هم در علوم قوانین و مقررات دینی تأیید نموده و پذیرفته است، و در عین حال میان آنها در بعضی از حقوق و وظایف فرق می گذارد، البته این تفاوت و فرق گذاری نظر به اختلافات فطری که بطور قطعی و محقق میان زن و مرد موجود است در نظر گرفته شده است، زیرا در وظایف، اهداف و سرشت هر دو جنس که بر آن آفریده شده اند، اختلافات و تفاوت های وجود دارد که باید هر کدام (مرد و زن) وظیفه بنیادی خویش را بر اساس آن باشکل درست انجام دهند، از اینجاست که فریاد و غوغاهایی از جانب کنفرانس های ویژه یی زن، و کارگردانان و پیش آهنگان آنان

برپاشده، ونهضتهاي جهاني منسوب به زن، ودبالة روان وترويج دهنگان اين انديشه ناپاک، درکشورهای اسلامی نيز صدایهای را بنام مساوات ويرابري میان مرد وزن بلند نموده اند. آري: مساوات از نگاه انسانيت و خواسته های آن امر طبیعی و تقاضای عادلی است، زира زن و مرد دووجهت جدا ناشدنی نسل بشر بوده، و اسلام نيز برآن اعتقاد و اعتراف دارد، وهیچگونه پوشیدگی در اين امر وجود ندارد. امام مساوات ويرابري در وظایف زندگی و روشهاي آن چگونه قابل تنفيذ و اجرا خواهد بود؟ آيا اين کنفرانسها ونهضتهاي مربوط به زن، و وابستگان و هواخواهان اين انديشه، توان آن را دارندتا با همچو کنفرانسها و گردهم آيی های شان سرشت و طبایع اشیاء را دگرگون سازند؟ ويا میتوانند فطرت بشری زن را تغیر دهند؟! امتیاز بزرگی که اسلام بر سایر مکتب های فکري دارد اينست که آيین و نظام آن واقعی بوده و در مورد زن

ومرد بصورت واقع بینانه ویا درک نمودن فطرت بشری هر دو جنس، حکم و فرمان صادر نموده است، و زمانی که مساوات میان زن و مرد منطقی و موافق با فطرت و سرشت شان باشد، مساوات را می پذیرد، و هرگاهی تفاوت و فرق گذاشتن میان آنان منطقی و موافق با فطرت شان باشد. تفاوت را معتبر و معقول می داند. خداوند ﷺ می فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ الْأَطِيفُ الْخَيْرُ﴾^{۱۴} الملک: «ایاکسی که آفریده است نمی داند؟ با این که او خود لطیف و خبیر است». بدون تردید هر اندیشه و نهضتی که مخالف باروشهای اجتماعی و سرشت بشری پایه گذاری گردد، سرنوشت آن به ناکامی حتمی و تباہی می انجامد، و این یگانه سبب ناکامی نهضت و حرکاتی که خواهان آزادی و رهایی زن اند - حتی در کشورهای غربی - و آرزومند محقق شدن آن اند، میباشد، لذا برجامع مسلمانان لازم است با عقل و حکمت، از سرنوشت بد و

ناهنجاری که جوامع غربی دچار آند، درس عبرت گرفته ویه حقایق مسلم برگردند، ویه عدل و انصاف فرامین و دستایر والا و صایب دین اسلام درمورد زن پی ببرند و گردن تسلیمی را خم نمایند.

۲- شریعت اسلامی فرق گذاری ظالمانه ای که حقوق زن را پایمال نموده ویه کرامت وی خدشه وارد می نماید حرام قرارداده است. در نظام و قوانین واحکام اسلامی هیچگونه غفلت ویی غوری در عدالت میان زن و مرد ویا تفوق و طرفداری مرد بر زن وجود ندارد. و نظریات برخی از مردمان شکست خورده، ویا جاهلان ویی خردانیکه از شریعت مطهر اسلامی، و از حکمت این تفاوتها و فروق فطری میان زن و مرد آگاهی نداشته و آنرا درک نتوانسته اند، مورد اعتبار نیست، همچنان کسانیکه از اختلاف در احکام شرعی متعلق به زن، و وظایف و حقوق مسلمی که نظر به سرشت و خلقت آنان

وضع شده است آگاه نیستند، نظریات آنها نیز مداراعتبار نبوده و نیست، و هرگونه دعوا باید مغایر با آنچه باشد که برای زن در شریعت اسلامی محدد و تعیین شده باشد - هرچند این دعوا از جانب دشمن مفترض و یادوست جاهل - دامن زده شود، همه وهمه بر تصور های خیالی، و یا عدم آگاهی آنان، و یا بر دلایلی باطل بنا نهاده شده است، و مردود شمرده می شود. چنانکه گفته شده - بطور مثال - برای زن در مسأله میراث، برای مرد دو برابر زن حصه داده می شود یعنی در حالاتیکه زن در قرابت با مرد قرار داشته می باشد نصف حصه به او می رسد نه کامل، پس این نمونه ای از تهجر و فرق گذاری است که بر زن وضع شده است. در جواب میگوییم: این برداشت، از مفهوم مساوات و برابری زن و مرد که اسلام برای شان عنایت فرموده، دور از مفهوم عدلي است که اسلام براساس آن روابط انسانی را پایه گذاری نموده است، باید متوجه

شوند که حقوق نظریه و ظایف و مسولیتها تعین و مقرر گردد. پس زمانیکه اسلام نفقة زن و پرداخت مهر و دیت و توان و نحو آن را بر مرد ملزم گردانیده، از روی عدل و انصاف شریعت در مسأله میراث حق مرد را مراعات نموده است، پس هر کسی جامع بودن احکام شریعت اسلام را نادیده بگیرد، در همچو لغزش و اشتباه می‌افتد. همچنان گفته شده – شمردن شهادت دو زن در مقابل یک مرد (شهادت دادن دو زن برابر است به شهادت دادن یک مرد) که این نمای از فرق گذاری میان مرد و زن است. در جواب می‌گوییم: این ادعا دلیل بر بیخبری و عدم آگاهی از طبیعت و سرشت زن است که خداوند عز و جل با حکمتی بزرگی با همچو صفاتی وی را آفریده است و از طبیعت و سرشت زن آنست که شاید در درک حقایق امور، فراموشی و نارسایی صورت گیرد، پس بخاطر حفظ و حمایت حقوق، وجود زنی دیگری در گواهی دادن باوی لازم

و ضروریست، خداوند ﷺ می فرماید: ﴿أَن تَضْلِلَ إِحْدَى نِسَمَةً فَتَذَكَّرَ إِحْدَى نِسَمَةَ الْأُخْرَى﴾ البقرة: ۲۸۲

«اگریکی از آنها فراموش کرد، آن دیگری به یادش آورد». واينرا هم باید دانست که گواهی يك زن درمسایل مربوط به خود آنان، مانند رضاعت (مکیدن کودک از غير مادرش) و اثبات بکارت دختران (دخترشوهر نکرده) و عیوب و علیت های داخلی و مستور زن وغیره..... قابل اعتبار است.

و مثال دیگری که شاید گمان و تصور آن در بعضی اذهان ایجاد گردد که گویا میان زن و مرد درمسائل دیت تفاوت گذاشته است، یعنی دیت زن (خون بها یا تاوان) نیم دیت مرد است، در جواب میگوییم: این تصور نادرست زمانی دفع میگردد که دانسته شود بهره و سود دیت را خود مرده - مرد باشد یا زن - نه، بلکه ورثه آنان حاصل

می نماید و ضرر مادی بی که با ازدست دادن سرپرست و مسئول نفقة، بر ورثه وارد می گردد - که غالباً مردمی باشد - هیچگاهی ضرر آن برابر با مردن شخصی دیگری نیست که نه سرپرست و نه مسئول نفقة آنان. و اما در بقیه قوانین تلافی و توان، به شخص متضرر برابر با ضرر وی تعویض داده می شود.

این سخن زمانی تحقق میابد و بر جا خواهد بود که صاحب حق در گرفتن توان و غرامت جزوی، خود شخص مصیبت رسیده باشد - زن باشد یا مرد - به عبارت دیگر، دیتی که دریدل ازین رفتن عضوی از اعضای شخص، و زنده ماندن خودش پرداخته می شود، در همچو حالت حکم پرداخت دیت میان زن و مرد مساوی بوده و مقدار آن نظریه اجتهاد فقهاء تعیین می گردد.

پس امیدواریم مثال های بالا حکمت های را که در وجود تفاوت و فرق گذاری میان زن و مرد است آشکار ساخته باشد - و این خود

بر جسته ترین جواب و مثالی برای آنده مردمانی باشد که گفته اند: این نمای فرق گذاری است که علیه زن وضع شده است - چنانکه همچو مثالها بیانگر عدل مطلق در تفاوت گذاری بعضی از احکام و قوانین میان مرد و زن را ظاهر ساخته، موافق و مناسب بودن آنرا با خلقت دقیق ایندو جنس بیان نموده، وهم آهنگی آنرا با اصول و قواعد شرعی ثابت می سازد.

۱- زن باداشتن جسد، فکر، عاطفه و وجودانی خاصی که بر آن آفریده شده است، آماده بر اجرای وظایفی اساسی معینی می باشد که عبارت از مادر شدن وی است، و اگر این وظیفه را انجام ندهد، در حقیقت طاقت و نشاطی که بمنظور هدف معینی آماده و مهیا شده، بیهوده از دست خواهد رفت، و وی را از راه اصیلی که بر آن سرشت شده منحرف می سازد، آری! اگر ضرورت یابیزی شخصی یا اجتماعی برای کار کردن زن خارج از منزل رونما گردید، اعتراضی

وجود ندارد، اما وادار کردن زن بدون ضرورتی، و تنها بخاطر شهوت رانی احمقانه‌ای که برخی از مردمان این عصر به سبب اوضاع تاریخی و فرهنگی به آن مبتلا گردیده، و یا اینکه میخواهند بیش از حد از همچو وضع لذت برده و بیهوده مند گردند، پس متظر طوفانی بربادکننده باشند. این امریست که هرگز از آیین اسلام انتظار قبول آن نمی‌رود، و اگر روزی اسلام همچو مسایل بیهوده را بپذیرد بدون تردید از مزیت بزرگ خویش دست کشیده است، و این مزیت ویرتی همانا حمایت و پشتیبانی از دو جنس بشری – مرد و زن – بوده که تکمیل کننده یکدیگر اند، و بطور کلی، بشریت عبارت از وجود و هستی و نژاد و نسل و توده‌های وابسته بهم اند. زن نمی‌تواند در عین زمان مادر، و نوکرکسی دیگر باشد، و دو وظیفه را با تمام خواسته‌ها و مطالب آن انجام دهد، اما در مورد ادعای بی موردنی که گفته اند پرورش دهنده‌گان و تربیت کننده‌گان

کودکان (خدمه) این مشکل را حل می نمایند، سخنیست بیهوده که عملی نمودن آن کار ساده نبوده و هنگام آزمون آنرا ثابت کرده نمیتوانند، چنانکه انجام دو وظیفه برای زن مانع برآورده شدن مفهوم فرموده خداوند تعالی **﴿لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾** الاعراف: ۱۸۹ «تابدان آرام گیرد» که از بزرگترین اهداف ازدواج و زناشوهری و ایجاد خانواده می باشد، میگردد. پس در تولیدات مادی برای بشریت چه سودی خواهد بود- اگر امکان پذیر باشد- درحالیکه از جانب دیگر، حاصل و فرآورده بشری را در تلف و هلاکت مواجه می سازد؟! اسلام دینی است که سرشت بشری و نیازمندیهای جامعه را همزمان با هم رعایت نموده و زن را به مسئولیت بنیادی و بزرگی که بدوش دارد متوجه می سازد، این مسئولیت نه تنها وظیفه اساسی او، بلکه عبادتی است که بخاطر آن آفریده شده، و بخاطر انجام این وظیفه بزرگ خداوند آنان را از برجستگی و

هوش فوق العاده ای برخوردار نموده است. به همین منظور مرد را بخاطر آماده نمودن نیازمندیهای منزل متکفل ساخته است که هرگز از انجام آن رهایی و خلاصی ندارد این بر آن است تا زن بتواند با فکر آرام و بدون هیچگونه پریشانی و نگرانی در پیشبرد امور منزل فارغ بالا گردیده و با تمامی قوت و طاقت، متوجه رعایت تولید انسانی گرانبها شده، و خانه دلخواهش را برای فرزندان و همسرمهایا و آماده نماید. همچنان اسلام به همه امور زن رسیدگی نموده وی را از رعایت و احترام تام برخوردار ساخته است و مرد را در این راستا به تعامل نیک ترغیب و تشویق نموده است. خداوند متعال

می فرماید: ﴿وَعَاشُرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ النساء: ۱۹ «ویا زنان به وجه پسندیده زندگانی کنید». و پیامبر ﷺ فرموده اند: (بهترین شما کسی است که با خانواده خود رویه نیک دارد) روایت ترمذی. و همچنان فرموده اند: (خواهان رفتار نیک با زنان شوید) روایت مسلم. چنانکه

فرزندان را نیز به احترام و توقیر مادر ترغیب نموده، آنحضرت ﷺ در جواب مردی که پرسید: چه کسی مستحق تربیه صحبت من است. فرمودند: مادرت) روایت مسلم.

۴- دین اسلام مرد وزن مسلمان را برکار و عمل تشویق و ترغیب نموده است، البته با مفهوم شرعی آن نه بر اساس مفهوم نادرستی که از بیرون بر مسلمانان وارد شده است، مردم مکلف به برآورده ساختن احتیاجات و ضروریات خانواده و بنای جامعه است، وزن نیز به نوبت خود به امور منزل و ساختن زیربنای جامعه که عبارت از خانواده است مکلف می باشد. چون موضوع مهم است می خواهیم در مورد برداشت نادرستی که در مورد کار و وظیفه زن و بیرون رفتن وی از خانه، میان بسیاری از مردم شایع گردیده، توضیحی دهیم، زیرا زن را مشخص به وظایفی گردانیده اند که در اصطلاح فقهاء بنام (مزدور خصوصی)، یا (گیرنده مزد دریدل کار)

یا، (کارهای که زن آنرا زیر دست مردی، مانند مزدروی، در مقابل مزدی انجام میدهد، که تنها رابطه مادی آنان را با هم یکجا نموده است) و وظایفی را که زن درخانه انجام میدهد مانند: تربیه فرزندان و یا فرمانبرداری و آراسته ساختن برای شوهر، و رسیده گی و رعایت والدین وغیره را کار و وظیفه نمی شمارند، چنانکه غالبا زن بی وظیفه را عقب افتاده و نابکاره شمرده، و نشستن وی را در منزل عیب دانسته اند. واشتراک نکردن وی در وظایف و کارهای بازاری را، بیکار و تعطیل شدن نیم افراد جامعه تلقی نموده اند، که این نظریه ای نادرست در اذهان بسیاری از مردم - چه عامه و یا روشنفکران - بجز برخی از مردمی که خداوند عز و جل بر آنها رحم نموده، تأثیر گذاشته است، تجایی که هوش و فکر، و انتخاب دلخواه زنان امروزی این شده که باید بخاطر کار و وظیفه از منزل بیرون روند، والا نشستن آنها در منزل بیکاری محسوب می شود!

لیکن رأی درست اینست که یکی از این دو راه را انتخاب نماید، اینکه مزدور واجیر در نزد دیگران باشند، و یا اینکه وظیفه اساسی و حقیقی خویش را در منزل بطور آزاد و مستقل انجام دهند.

خللی که در این نظریه وجود دارد اینست که زن را ملزم و ناگزیر می‌سازد تا بر نفس خود و خانواده و جامعه فشار آورده، و وظیفه آزاد در منزل را به مزدوری دیگران در خارج منزل انتقال دهد، که این عمل در ذات خود، وی را وادار به ظلم در حق خودش، و تقصیر در حق همسر و فرزندان، و در تنگنا قراردادن مردان درایجاد وظیفه مناسب می‌باشد. چنانکه این نظریه سبب افزایش بیکاری در جامعه، و بروز نتایج منفی بزرگی، مانند ناامنی، ضعف اقتصادی، ازدیاد مشکلات اخلاقی، و کاهش فرصت ازدواج، و افزایش زنان بی شوهر و سالخورده می‌شود، که این تحول بنیادی در وظیفه زن جز هدف فربیننده و خیالی و آفت را محقق نمی‌سازد.

قابل یادآوریست که تحقیقات و پژوهش‌های اقتصادی که در یکی از گزارش‌های مفصلی سازمان ملل متحد در اوایل دهه هشتاد میلادی صورت گرفت – که تا حال رد و تکذیب هم نشده – این بود که بیرون رفتن زن از منزل بخاطر وظیفه و کار اجیرانه، ۴۰٪ هزینه ملی کشور خود را برداشت می‌نمایند، که این امر مخالف باتبیلغات و رونق نمایی‌های است که در راه بیرون آمدن زن از خانه بخاطر اجیرکاری جریان دارد، گویا که اقتصاد ملی و محصولات محلی را کمک ورشدمی دهد! چنانکه همین گزارش در ماده دیگری می‌افزاید: (اگر زنان جهان در مقابل سرپرستی خانواده و پرداختن کارهای منزل، مزدی بدست آورند، به اندازه نصف هزینه ملی هر کشوری خواهد رسید).

هرگاه زن براین گمان بوده و اصرار ورزد که وی باید اجیرکار و مزدور دیگران باشد، پس کارهای شایسته و موافق باطیعت وی

ameriست که نیازمندیهای اجتماعی حقیقی، نه خیالی، به آن ضرورت داشته و گاهی هم نیازمندیهای شخصی نیز وی را به آن و می دارد، البته همچو حالات از نظر شریعت جایز بوده، ما دامیکه مطابق و موازی باضوابط و مقررات شرعی، و بدون وسعت دادن دامنه آن صورت گیرد.

پس وجود نیازمندیهای اجتماعی و شخصی که گاهی به کار و وظیفه زن نیازی پیداکند، به این معنا نیست که فرصت کار و وظیفه را برای مرد تنگ نموده و رقابت را آغاز نماید، و یا اینکه در حوزه کار و شغل اساسی خویش سهل انگاری و یا کوتاهی نماید، و این مقام را فرصت مناسبی می بینیم تاجامعه و سازمانهای دولتی را متوجه مسؤولیت شان ساخته، و در این راستا کوشش جدی به خرج دهنده تا نیاز به کار و عمل زن در خارج از منزل را از میان بردارند، و یا حداقل آنرا کاهش دهنده، و یا لآخره تأثیرات منفی آنرا

فرونشانند، زیرا معامله و رفتار با زنان کاملاً مانند مردان در وظایف، وساعات کار و مناطقی که وظیفه اجراء می‌نمایند، و مدت و نوعیت وسال‌های تقاعد آنان وغیره، بدون اینکه وظیفة اساسی زن در بنای خانواده، و طبیعت و سرشت بشری وی مدنظر گرفته شود، ظلمی آشکاری بوده است، چنانکه تاکید بر آن می‌نماییم که جامعه دولت مسولیت علاج فقره یگانه سبب بروز مشکلات مختلفی که بويژه زنان در جامعه مسلمانان از آن شکایت دارند، حل گردد، زیرا فقر و تنگدستی اکثراً زن را وادار به انجام وظایف نامناسب وغیر موافق با طبیعت آنان میگردد.

۵- خاطرنشان باید ساخت که مکانیزم و روش‌های تعلیمی طرح شده در کشورهای اسلامی، نیاز به تجدید نظر و اقدامات جدی در این راه دارد، تاعزت و کرامت شرعی زن دوباره بويی برگردانیده شده، و وی را آماده سازد تا کار و وظایف مناسب و موافق به

طبیعت خویش را بصورت درست انجام دهد، وظایفی که کسی دیگر نمیتواند جای وی را بگیرد، پیشنهاد ما درمورد تجدید نظر در نقشه و روش تعلیم زنان درکشورهای اسلامی بمنظور برآورده شدن اهداف بنیادی این است که:

- ۱- زنی را تربیت نموده و به جامعه تقدیم نماییم، که پروردگار خویش را بصورت درست عبادت نماید.
- ۲- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که فرمانبردار واقعی شوهرش باشد.
- ۳- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که قادر به تربیت و پرورش درست فرزندان خود باشد.
- ۴- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که بتواند خانه خود را بشكل خوب و منظم اداره نماید.

۵- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که در راه آبادی و بازارسازی جامعه خود، در اموری که بوی تعلق میگیرد، سهم فعالی داشته باشد. بدون تردید خللی بزرگی که در روش تعلیمی زن بنظر میخورد اینست که منهج تعلیمی زن و مرد باهم یکسان است البته بگونه ای که وی را آماده به وظایفی می سازد که مرد نیز در آن راستا علم و دانش می آموزد، زیرا طرح و نقشة تعلیمی برای هر دو جنس بی ریزی شده، و هر دو تحصیل یک دانش را در همه مراحل آموزشی طی می کنند که این خود تجاوز برحق زن بوده و از کرامت و منزلت وی میکاهد، چنانکه وقایعی بسیاری در این عصر رخ میدهد که اکثراً ارتباط مستقیم به این خلل دارد، مانند وجود زنهای بسی شوهر، واقع شدن طلاق، نا امیدی و شکست روحی، بسامشکلات خانوادگی دیگر. از این رو بر افراد جامعه بسویه پیشگامان امت و اهل رأی و نظر لازم است تادر مقابله هرگونه

کوششها و تصامیم و یا تبلیغاتی که بخاطر یکجا بودن ذکور و اناث در مرکز تعلیمی و طبق برنامه تعلیمی واحد چه در اهداف و مقاصد، و یا در طرز و طرح آن صورت میگیرد، ایستاده گی نموده واز آن جلوگیری نمایند، تا از مقاصد والای شریعت اسلامی که مصالحی بی شماری را تأمین و محقق می سازد، حمایت و حفاظت شده، و هم‌مان مفاسد مترقبه دفع و یا کاهش یابد روی هم رفته زندگی شرافت مندانه ای که کرامت و حقوق افراد جامعه در آن مصون و محفوظ باشد ایجاد گردد، همچنان نتایج مثبتی که از جدایی تعلیم دو جنس، و مفاسد یکجا بودن آندو، از لابلای تجارب و وقایع بدست آمده است، ثابت و محقق گردیده تا مصدق تعالیم اسلام برای منکران و مخالفان آن روشن و هویدا گردد.

۶- جامعه مسلمانان این مسؤولیت را بدوش دارد تا ظالم وی دادگری را از همه افراد خویش بر طرف نموده، فرمان الهی را

در مورد تحریم ظلم میان بندگان عملی نمایند، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در آنچه از پروردگارش نقل میکند، روایت شده است که خداوند ﷺ فرمود: (ای بندگانم من ظلم و ستم را برخویش حرام کردم و نیز در میان شما آنرا حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید) روایت مسلم. واز زشت ترین ظلمی که میان بندگان رخ میدهد، ظلم بر زنان میباشد، پیامبر گرامی ماهر ﷺ فرموده اند: (پروردگارا! من گنه کار می دانم کسی را که حق دو ضعیف، زن و بیتیم را پایمال کند) روایت نسایی. یعنی از اینکار زشت سخت ممانعت می کنم، متأسفانه ظلم بر زن چه مادر و یا همسر و یا دختر اشکال گوناگونی را بخود گرفته، مانند محروم شدن وی از حقوق مسلمش، توهین به کرامت وی، بی حرمتی در معاشرت با اوی، ویهده برادری نادرست از اینکه ضعیف و ناتوان است، که همه نتایج ناگوار بسبب ضعف و کاهش در تعالیم دینی میان مسلمانان

ویروز و سایل و موارد بداخلاً لقی، که اینهمه دگرگونی‌ها حاصل و ثمره دوری از راه و روشی که خداوند عز و جل آنرا وضع نموده می‌باشد، چنانکه مسلط شدن بعضی از رسم و رواج‌های غربی در جوامع مسلمانان که درنتیجه پذیرش و تقلید از راه و روش و رسم و رواج زندگی آنان که درکشورهای اسلامی تراوش نموده است، بوده و آثار و مظاهر آن به چشم می‌خورد، مانند پدیده خشونت خانوادگی، و تحریک مسایل جنسی و خیانت میان زن و شوهر، و اضافه از آن ظلم و بی عدالتی میان همسران، و یا تنگی و تندی بر آنان، و یا خوردن مال آنها به ناحق، و یا تقصیر و کوتاهی در برآورده نمودن نفقة آنان، و یا پایمال نمودن حقوق و کرامت زنان در وقت طلاق، همچنان ظلم و ستمی که بعضی از پدران در مورد ازدواج دختران جبرا بر آنها را می‌دارند و یا هم در مورد تربیت و آموزش آنها توجهی نمی‌نمایند، و یا تفاوت و فرق

گذاری در تعامل و مصرف میان دختران و پسران، ویاالنتخاب شوهرنامناسب به آنان، ویا تأخیر در ازدواج آنها وغیره اشکال وانواع ظلم وستمی که شریعت غرا آنر مردود می شمارد، همه از فرهنگ و راه و روش غرب الهام گرفته شده که سبب این هرج و مرج و دگرگونی ها و ظلم و تلف حقوق زنها در جوامع مسلمانان گردیده است. پس رفع همچو ظلم وستم وکاهاش آن تاحد امکان مسئولیت و وجیهه شرعی است که باید در راه اصلاح آن اقدامات جدی و عملی صورت گیرد، و حتی فرصت برای اقدامات قانونی و قضایی بر ضد آن داده شود و زمینه بخاطر ازین بردن آن هموار گردد، ویااینکه بعد از بیوقوع پیوستن آن حداقل حل و فصل مناسب طبق مقررات شرعی صورت گیرد، و لازم می بینیم که باید برای وقایه از این گونه حوادث و اوضاع دردآور، برنامه های تربیتی و آموزشی اسلامی و فرهنگی پس

ریزی شده به افراد جامعه تعلیم داده شود تا از مقررات شرعی و احکام آن آگاهی پیدا کرده و آشنایی کامل به حقوق و واجبات شرعی حاصل نمایند و حق خود و حق غیر را طوریکه لازم است بشناسند. این یگانه وسیله ای وقایوی است که می توان از تأثیرات و نظریات ناگوار غربی و شرقی کاست، و تقلید کورکورانه از فرهنگهای غربی مخالف با شریعت و ارزشهای والای اسلام را از بین برد.

۷- همچنان جهانی شدن زندگی اجتماعی و حیات زن از دیدگاه مادی گرای غربی و آزادی در سرمایه، تجاوز واضحی بر حقوق زن در همه جهان، بویژه در کشورهای اسلامی بوده است که عبارتنداز: الف- آنچه درجهت وضع قوانینی که جهانی شدن آنرا میخواهند تعلق می گیرد، به گونه که بر اساس فرهنگ میراثی و یکجانبه و تحت نفوذ یک جهت، و کشمکش های حقوقی تاریخی بنا نهاده

شده که مربوط به یک منطقه محدود روی زمین بوده، و هیچ گونه مشابهت فرهنگی و قانونی با اغلب مناطق جهان ندارد.

ب- جهانی شدن قوانین بر اساس مادی گرایی و نظام سرمایه داری و بر اساس منفعت بنا نهاده شده است که منافع مادی نسبت به همه چیز اعم از اخلاق و ارزش‌های محدود و مقید، حتی از ضوابط وضع شده بخاطر این منافع، مقدم دانسته شده است.

ت- آنچه درمورد رویدادهای زندگی متعلق به زن، وحالت وی در غرب ارتباط می‌گیرد، که از طریق رسانه‌های خبری و شاهدان عینی، و یا با اطلاع یافتن بر احصایه‌ها و تحقیقات و گزارشها بر ملا می‌گردد. همچو رویدادهای اجتماعی بد و ناگوار، پرده را از چهره حقیقی مبلغان و داعیان جهانی شدن قوانین برمی‌دارد، هرچند آنها سعی می‌کنند که آنرا با طوق رنگارنگ دروغین اطلاعاتی، و درخشندگی گیرای حقوق سالاری ساختگی، پوشش داده به

جهانیان نشان می دهند. مگر نمی دانند که آفتاب را به دو انگشت نمی توان پوشید. در حالیکه خشونت های خانواده گی، غصب و تجاوز جنسی حتی به سطح شخصیت های برجسته سیاسی و دینی آنها رو به افزایش است. از یکسو فشار و اجبار کار برابر زن در کشور های غربی روز افزون بوده تا لقمه نانی را خود بدست آرد، و از سوی دیگر پدیده ای که بیشتر رو به افزایش است وجود کودکانی که اصلا بی سرپرست هستند و یا اینکه سرپرست آنها یک نفر است - که از راه آمیزش یک مرد با چند زنی بدنیا آمده اند - با این حال تناسب از هم پاشیدن خانواده ها نیز گریبانگیر آنان گردیده، و مجتمعات غربی را تهدید می کند، تا بالآخره مجبور شده اند بخاطر جلوگیری از نابودی خانواده بطور کلی، متول به تصویب قانون اجتماعی جدیدی شوند، تا مفهوم خانواده و لوبی طور شکلی بحالش برگردد، این قانون شامل چند ماده است از جمله:

دوشریک میتوانند بدون عقد نکاح، تازمانیکه خواسته باشند باهم زندگی نمایند، هرچند اگر از یک جنس هم باشند، ازاینرو مفهوم ازدواج همنوع اجتماعی شیوع و افزایش یافته است بطور مثال، در متن گزارش سالانه انتیتوت تحقیقات جمعیت شماری فرانسه که به پارلمان آن کشور پیشکش شده است در متن آن چنین آمده است: (کشور فرانسه در مرتبه چهارم بعد از فنلاند و ناروی و سویدن قرار دارد که در این کشورها عقد نکاح رویه کاهش بوده، فرصت را برای روابط آزاد و بدون عقد نکاح باز کرده است، که سالانه ۴۵۰ هزار ازاینگونه روابط نا مشروع که آنرا ازدواج می نامند، بوقوع می پیوندد، چنانکه معاشرت و آمیزش همیشه و مستمر، بدون عقد نکاح میان هم جنسان، مرد با مرد، وزن بازن، صورت می گیرد که سالانه (۳۰، ۰۰۰) ازاینگونه روابط میان هم جنسان واقع میگردد).

-۸- همچنان گرایش دوگانه و پیچیدگی در قانون و مصادر توجیهی اجتماعی و اخلاقی، جو امع مسلمانان را در فتنه ها و گمراهی قرار می دهد، و هویت و شخصیت اجتماعی و فرهنگی آنان را مشکوک ساخته، و راه را بر آنان مبهم و تاریک می گرداند، و مردم را از نور فروزان اسلام محروم گردانیده، و آنها را در سرگردانی فکری و گمراهی قرار داده همه امور را به بن بست مواجه می سازد. چنانکه می دانیم که یک جامعه متشکل از حلقه های پیوسته مردم می باشد که بر پایه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی بنا نهاده شده، و ایجاد هرگونه خللی در یکی از این پایه ها، تأثیر بدی بر دیگر پایه ها خواهد گذاشت، و این خود سبب می شود تا در مورد اصلاح هرگونه خللی باید دید و نظر شامل داشت، بدین ملحوظ هم آهنگی و پیوستگی قانونی هر پایه آن باید بر اساس فرامین الهی که امور را در نصاب و جایگاه درستش قرار می دهد، بنگذاشته شود، چنانکه

خداآوند ﷺ می فرماید: **﴿لَا يَأْنِيهُ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، تَزَبَّلُ**

مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ فصل: ۴۲

«باطل از پیش روی آن واپشت سر آن در آن راه نمی یابد،
فروفرستاده ای از سوی الله ﷺ با حکمت ستوده است.»

لذا باید قوانین و مقررات لادینی سکولرستی از جوامع مسلمانان
برچیده شود، و به بشریت نمونه های عملی و واقعی حقوق
و کرامت انسانی که اسلام به آن تأکید می ورزد، ارایه گردد. و به زن
فضای آزاد فراهم گردد تا از عدل و داد شریعت، و تجلیل و احترامی
که آیین اسلام به آنان قابل است، بهره مند شده، و جلو هرگونه
حماقت و آشتفتگی که بر زنهای پابند در دین و ارزشها یش صدمه
وارد می کند، گرفته شود تا بتوانند در مرآکز تعلیمی در فضای آرام

به تعلیم خود ادامه بدهند و در آینده مصادر خدمت به جامعه اسلامی و هکذا قادر به تشکیل خانواده با عفت و سالم باشند.

سفارش‌ها و درخواست‌ها

۱- مسئولیت امت و جوامع مسلمانان:

الف: احتراز و با حذر داشتن از مبتلاشی و منحل شدن شریعت و قانون الهی، چه بطور کلی یا جزوی، و یا بازی کردن با اخلاق و ارزش‌های جامعه مسلمانان، زیرا اینکار نه تنها شکست فرهنگی و معنوی بوده، بلکه منجر به مقهور شدن و تسليم شدن به دشمنان گردیده و سلطان سیطره آنان را بر امت اسلامی تقویت می‌بخشد.

و اگر همچو فروتنی در مقابل دشمنان صورت گیرد، پس متظر عقوبیت الهی در دنیا و آخرت باید بود، خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿فَلَيَخَذِّرِ الَّذِينَ يُفَاعِلُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ﴾

آلیم کعبه النور: ۶۳

«پس کسانیکه از فرمان او تمد می کنند، باید برحذر باشند از آن فتنه ای به ایشان رسد یا به عذابی در دنایکی گرفتار شوند».

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: (خداوند ﷺ غیرت می کند (خشنمانک می شود)، غیرت خداوند در آن وقت است که شخص محترمات خدا را انجام دهد) متفق علیه

ب- حمایت و حفاظت از اخلاق و عفت افراد جامعه، که باید مراجع تعليمی و وظیفوی در این راستا توجه جدی بخراج دهند. و از وسائل اطلاعاتی و فرهنگی و ترفيهی وغیره در راه حفظ و نگهداری ارزش‌های اخلاقی محیط مسلمانان توجه نموده و گام‌های مؤثری در این راه بردارند، و از مختلط شدن تعلیم، میان ذکور و انان و همچنان در ساحات کارجلوگیری به عمل آید، زیرا همچو وقایه از مهمترین وسائل حفظ و حمایت عفت و پاکی و اخلاقیات جامعه بشمار می‌رود، و این خود مقاومت و ایستادگی و در عین حال ضریب

قویی بر دشمنان بوده و باعث خشی نمودن همه مکاید و توطئه های آنها که بر ضد عفت و حجاب ویلاخره ناموس مسلمانان بر راه انداخته اند، می شود، ان شاء الله. چون همه دشمنان در پیمان سرنگونی وریشه کن نمودن همه اشکال فرق گذاری و تفاوت میان زن و مرد با حمایت و سردمداری سازمان ملل متحد، ویاترکیب و قیافه غربی، جبهه ای مشترکی را تشکیل داده و جنگ قویی را علیه این مبداء گوارا که از جانب خالق بشر تصویب و نازل گردیده، آغاز نموده اند. و خواستار مختلط ساختن زن و مرد در همه عرصه های زندگی هستند و برای تحقیق این هدف شوم شان از هرگونه وسائل شیطانی استفاده می کنند، پس باید جوامع اسلامی بیدار شوند و در پذیرش و افتتاح مؤسسه های غربی محتاط باشند و همه جوانب آنرا قبل از نظر بگیرند و یک حد و خط عدم تجاوز را در فعالیتهای آنان تعیین کنند، زیرا مؤسسات و مراکز اطلاعاتی و

تعلیمی و نمایندگیهای سیاحتی و تفریحی و فرهنگی که در کشورهای اسلامی به کثرت سرمایه گذاری کرده اند، صرف بخاطر بهبود روابط اقتصادی و یا سیاسی و کمک و همکاری نبوده بلکه فعالیتهای آنان با مقاصد، اهداف، فرهنگ و اخلاق اسلامی کاملاً در تصادم واقع شده و خطر بزرگی محسوب می شوند که ارزشهای امت مسلمه را تهدید می کند. و فعلاً که آنها کشورهای اسلامی را هدف قرار داده اند، نیاز به ایستادن و پرخاستن همه مردمان مخلص به دین، از جمله علماء، دانشمندان، اندیشمندان، متخصصان علمی، مردمان برجسته، تجار و بیان خر عامة مردم دارد که دوشادوش هم، صاحبان این برنامه ها را اصلاح نموده به راه راست و حق برگردانده، و زن مرد و همه افراد جامعه را از شر آنان نجات دهند.

ج- بر والیان امور مسلمانان واجب است تا دست نادانان و هوس رانان و شهوت پرستانی که در ساحات تعلیمی ویا فرهنگی ویا اطلاعاتی وغیره وظیفه انجام میدهند، کوتاه ساخته، و نگذارند تا حقوق شرعی زنان مؤمن پایمال گردد، همچنان آنایکه محافل فحشا را طرح ریزی نموده و آنرا برپا نموده و انتشار می دهند و از اینرا لکه بدنامی را به جوامع اسلامی و ارزشها و آداب آن وارد می کنند و حیثیت و شرف و آبروی همه را می ریزانند تا بتوانند باداران خود را راضی کنند، بیخبر از آنکه خود ایشان به حرام تغذیه شده و مؤسسین پستی و رذالت و فرومایه گی و دیوشه در جامعه به حساب می روند. طبعا بیشتر شان به سبب جهل و نادانی و یا به سبب فریب خوردن آنها بوده که نه از ارزشها دین اسلام باخبرند و نه تا الحال معیار و مقیاس ترقی و تمدن حقیقی را درک توانسته اند، پس باید جلوه همچو اشخاص گرفته شود. پیامبر اکرم ﷺ می

فرمایند: «حتماً از دست ظالم بگیرید وی را بسوی حق برگردانید».

روایت ابو داود

د- علماء و دانشمندان و مصلحان جامعه باید در زمینه وجیهه دینی، مسئولیت شرعی خود را در قبال جامعه فراموش نکنند و مردم را به خیرخواهی دعوت کنند و از کارهای ناپسندیده و دارند و هر تحریکی را که از هر جانب مشاهده می کنند ولو که به جهات دیپلماتیک هم ربطی داشته باشد و یا اینکه کوچک بنظر بخورد در هر حالت آنرا نادیده نگرفته در مقابل آن بی تفاوت نمانند بلکه برضد آن عکس العمل جدی از خود نشان بدهند و عواقب همه فعالیتهای مغرضین را به آگاهی مردم برسانند چون واجبات و ضروریات شرعی و حفظ اساسات و شعائر دین از هر چیز مقدم تر است. و به تأکید که در اینگونه حالات ایستادگی و حق را بیان کردن از شیوه های پیامبر ﷺ و صحابه کرام و علمای سلف صالح این

امت است که باید علمای امروز به آنها اقتدا کنند. خداوند عز و جل می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَايُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آل عمران: ۱۰۴ «ویا باید از شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و یکار پسندیده امر، واز کار ناپسند منع کنند و آن گروه ایشانند رستگاران».

و- تأکید براینکه پنهان نمودن علم خطر بزرگی است، بویژه هنگامی که دریسان و توضیح آن در وقت ضرورت تأخیر صورت گیرد، خداوند عز و جل می‌فرماید: ﴿وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيقَاتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتَبِعُنَّهُمُ الْنَّاسُ وَلَا تَكُنُّ مُؤْمِنَةً فَنَبْذُوْهُ وَرَأَهُ ظُهُورُهُمْ وَأَشْرَقُوا بِهِ مُنَّا قَلِيلًا فِيْئَسَ مَا يَسْتَرُونَ﴾ آل عمران: ۱۸۷

«ویاد کن هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده - یهود و نصاری - پیمان گرفت، که حتما باید آنرا برای مردم

بیان نمایید و کتمانش نکنید، پس آن عهد را پشت سر خود انداختند و آن را به بهای ناچیز فروختند، چه بد است آنچه خریدند». خصوصاً هنگامیکه با مبادی دینی و اخلاقی و حقوقی برخوردي صورت گیرد، و خطرناکتر از این، توجیه نمودن تصامیم و مقرراتی که با ارزش‌های اجتماعی و شرعی مغایر است، چه این توجیه از روی رغبت باشد و یا از روی بیم و ترس، و یا اینکه توجیه آن بمنظور مصلحت خیالی و یا اساسی که مخالف با نصوص و قواعد شرعی است باشد.

۵- امت باید آگاه باشد براینکه ارزش و قیمت فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و حقوقی که بر کشورهای غربی حکم‌فرماست، بسیار ناچیز بوده با وجود آنهم می‌خواهند بازور و جبر دولت‌های غربی آنرا بر جهان نافذ و پخش نمایند، که نه تنها سازگار با سرشت پاک انسانی و قوانین و مقررات درست و صحیح نیست، بلکه اصلاً

براساس معیار های فرهنگی میراثی بنا گذاشته شده که پشتیبانی از فرهنگ مخترعان آن نموده، و با فطرت سلیم در بسیاری از احوال در تصادم است. که این خود ایجاب میکند تا در مورد اهلیت جهانی بودن مبادی حقوقی آن، و صحة گذاشتن بر اینکه کلیه حقوق براساس آن پایه گذاری شود، تجدید نظر صورت گیرد، و ما بر اهمیت این تجدید نظر در مورد حقوق انسان، در پرتو فطرت سلیم و عقل درست و سالم، و فرامین درست و دقیق ویجایی که همه دیانت های آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند، تأکید می نماییم، و مطمئنیم که این همه اوصاف جز در مبادی حقوقی آیین اسلام، در دیگر آیینی پیدا نیست، که جای گزین بهتر و کاملتری، که بتواند از ارزش جهانی برخوردار بوده، و معیار و مقیاس کاملی در مورد سرنوشت حقوق انسان را دارا باشد.

مسئولیت زن مسلمان

۱- بروز زن مسلمان لازم و واجب است تا در پایبندی خویش به دستور های شریعت مطهر، با وجود فشار های خصمانه دشمن کوتاهی ننماید، و آنچه در این راستا بوى تعلق میگیرد اینست که باید پایبندی تام به حجاب شرعی داشته باشد بگونه ای که آنرا فریضه دینی دانسته و به آن افتخار نموده و یقین کامل داشته باشد که خداوند عز و جل دربرابر این عبادت، وی را پاداشی بزرگ خواهد داد، و اینرا درک کنده حجاب و در پرده بودن زن مسلمان، بخاطر خشنودی پروردگار مهربان، و حفظ عزت و کرامت وی، و زدودن توهین و تحقیر از اوست.

بدون تردید پایبندی زن های باعفت و پاکدامن به حجاب شان، مطابق مقررات و احکام شرعی، و سفارش نمودن سایر زنان به آن، از مهمترین وسائلی است که جامعه را از رذایل و پلیدی ها محفوظ

نگهداشته، و در مقابل دشمنان نشسته در کمین، و مت加وز بر منافع و مصالح دنیوی و آخری ما مقاومت می نماید، چنانکه پاییندی و چنگ زدن زن مسلمان به حجابش، جهادی بزرگی - نظریه توانش - حساب می شود، خصوصا در سایه جنگ شعله وری که امروز دشمن علیه این اصل شرعی آنرا افروخته است.

ب- این یک ضرورت اجتماعی است که زن به مسئولیت های اجتماعی خود پی برد، طبق مقررات شرعی، نقش اصلی و حقیقی خود را در جامعه ادا کند. زن مسلمان باید در برداشت مسئولیت اجتماعی خویش سهم فعالی گرفته و نقش ارزشمند و حقیقی که در جامعه دارد، از لابلای بندگی واقعی اش به خداوند عز و جل به اجرا در آورد، که از جمله نمای اجتماعی آن، تربیت و پرورش درست فرزندان، سرپرستی شایسته خانواده، و مستقر بودن وی در منزلش است - مگر اینکه بخاطر ضرورتی بیرون آید -، و حیا و حشمت

وظرافت ادبی شرعی، و حفظ عزت و کرامت و آبروی خویش را مدنظر گرفته بخاطر ضرورتی که از محل اقامت خود خارج شده، آنرا رفع نموده و اپس بخانه برگرد و همیشه کوشان باشد تا عفت و پاکیزگی را در جامعه و میان سایر زنان انتشار بدهد و آنانرا از لغش در شر و فساد بر حذر نماید، وزنان ثروتمند را از حقوق خداوند و محاسبه الله ﷺ با آنان آگاه ساخته - با آنکه نفقه آنان بردوش شوهرانشان است - تا مبادا مال و دارایی خویش را در راه باطل و یا امور بی ارزش، و یا اسراف در وسایلی که قابل خرید نبوده، آن هم بخاطر رقابت و یا مودپرستی تلف ننمایند، بلکه در راه های خیر و احسان به مردم، و هر آنچه سبب خشنودی خداوند متعال میگردد، بمصرف برسانند. و در خاتمه چیزی مهمی که باید تذکر یابد اینست که باید در ناحیه آموزش زنان توجه جدی صورت گیرد - البته بعد از بررسی علمی - که به خواست واردۀ

خداوند، بدینوسیله حرکت بیداری حقیقی زن در جامعه های مسلمانان بسرعت پایدار و برقرار خواهد شد، و تضمین کننده حقوق مسلم وی که خداوند دانا و آگاه بسر همه چیز، وقدرتمند ویا حکمت، به آنها عطا فرموده خواهد بود، و در راه پیشرفت و انکشاف جامعه نقش فعال و مثبتی واقعی خواهد داشت، بدون طی نمودن مراحلی فجیعی که زنان غرب از آن میگذرند، و جامعه را به سرشت و خیمی دچار می کنند. زنان مسلمان با عملی نمودن ارشادات الهی و سنت پیامبر اکرم ﷺ نمونه از عدل و انصاف برای کسانی خواهد بودند که خواستار خیراندیشی و صلاح برای زنان جهان اند. بدیهی است که این قضیه به نقشه کشی، و پیمودن مراحل بی درپی، و انجمن و سازمان ها، و برنامه و طرح ریزی متعددی نیاز دارد تا در ایجاد قانون و مقررات مربوط به زنان و تفید آن اقدام صورت گیرد، تا باشد که این سند شرعی در راه تحکیم

بخشیدن یکی از پایه های آن نقش اساسی داشته باشد، لذا برداشمندان شرعی لازم است تا همگام با اهل اختصاص در زمینه های اجتماعی، واقتصادی و تربیوی وغیره گردهم آمده بر ترکیب و ساختار روشی سالمی مربوط به مسایل زن، چون آموزش، کار، سر گرمی و تفریح وغیره به نتیجه مثبتی رسیده و بخاطر تعیین برنامه های عملی و محقق ساختن این ساختار و ترکیب ها که از احکام شریعت سر چشم می گرفته باشد اقدام نمایند، پس مقرر نمودن طرز عمل های واقعی بمنظور تنفیذ این برنامه ها باید بر دو اساس پایه گذاری شود:

اول: براساس مدارک و دلایل شرعی از جمله عقاید و احکام و مقاصد شریعت پایه گذاری گردد.

دوم: هم آهنگی واقعی با مسایل نو و تازه زندگی داشته باشد. تا حمایت درست و سلیم از جامعه مسلمانان تحقق یافته و راه های

سودمندی باز گردد تا مردم از زندگی آرام و مرفه واقعی برخوردار گرددند، چنانکه برداشمندان و متخصصان لازم است که همچو مسایل و امور خطرناک را بدست کسانی نگذارند که از دین خدا و مقاصد شریعت و احکام آن آگاهی ندارند و یا آنده مردمانی که شکست فرهنگی و معنوی خورده اند، و نباید آنرا تسلیم رویداد هایی امروزی نمایند و نباید بر اساس آن راه های حل مقرر و تعیین گردد که احتمال عدم موافقت با مصالح شرعی، که ضامن خیر اندیشه و خیر خواهی مردم است داشته باشد. همچنان باید این برنامه ها و ساختار آن حاصل علم شرعی درست، دور از هرگونه اندیشه و تصور های خیالی و وهمی بوده پیش آمد های حیاتی در خور تغیر را، چه در موقع مناسب و یا دشواریها مد نظر گرفته باشد، و از پیشکش نمودن برنامه های نمایشی که تطبیق آن در زندگی روزمره دشوار و سنگین تمام شده، و مردم را به بیراوه می

کشاند، اجتناب صورت گیرد، چنانکه نباید تابع رویداد های بسیار ثبات گردیده و آنرا با اهداف و مقاصد واحکام شریعت همدوش و در جریان قرار دهد، از اینرو لازم است که شتاب در فراهم نمودن دیدار و مجالس دراین باره میان علمای شریعت اسلامی و متخصصان مخلص و دلسوز انجام یابد، تا در روند اصلاح جامعه و سازماندهی درست، و در موارد اقتصادی و تربیوی که بسیار نهایت مهم و پر اهمیت است، بحث و مناقشه صورت گیرد، تا به این وجیه شرعی که گنجایش تاخیر و تعویق را ندارد، اقدام عملی به عمل آید. نکته مهم اینست که باید به کیفیت و آیین مردم داری و آشنایی با وضع زندگی آنان آگاهی داشت - بدون اینکه خیروش را و یا تصادم آنان با مفکوره و اعتقاد مردم را در نظر گرفت - زیرا امکان دارد با مرور زمان وضع دگرگون گشته و ارزشی را کسب نماید که از جمله تقاضاهای اساسی جامعه شمرده شود و مردم را

بسوی خود فرا خواند، واینکه چه نتایجی از آن بیار می‌آید، مساله جدایی است، آنگاه نه تنها رهنمایی دشوار خواهد بود بلکه مقابله با آن و تغیر جهت دادن نیز کاری مشکلی خواهد شد. و در خاتمه این وثیقه نامه از مژده‌ای شما را باخبر می‌سازم که تصمیم و عزم شما را راسختر و قاطع تر ساخته ان شاء الله سبب آماده‌گی هرچه بیشتر و مزید تان می‌گردد و آن اینکه دین اسلام در پخش و انتشار میان افشار و توده‌های جهانی نسبت به همه ادیان سریع تر بوده - والحمد لله والمنه - کسانی که مشرف به آیین اسلام می‌شوند بیشتر آنها از کشورهای غربی بویژه زنان آنهاست، که با وجود حملات شدید و پیهمی که بمنظور بد نام نمودن اسلام، و زشت جلوه دادن وضع زن در جوامع اسلامی انجام می‌پذیرد علی الرغم آنهمه، به ندای اسلام لبیک گفته و به این دین مقدس مشرف می‌شوند و خداوند متعال شرف ایمان را به آنها عطا می‌فرماید و آنها

را از این همه رنج و عذاب و زندگی پر مشقت و رقت بار غرب، که سالها در زیر سایه قوانین و مبادی ساخت بشر که از هدایات و رهنمودهای ارزشمند اسلام بسیار بدور است زندگی بسرمی برنده، رهایی بخشیده و از آزادی و کرامت حقیقی که زیر سایه شریعت و آیین اسلام که از جانب پرورد گار جهانیان برای بشریت مقرر شده، احساس تشنگی آنرا می کردند برخوردار گرداند. وصلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه اجمعین.

فهرست مطالب

۲	مقدمه مترجم
۷	پیشگفتار
۸	مقدمه
۱۳	سرآغاز و مقدمات اساسی
۲۸	اصول و ضوابط شرعی در مورد حقوق و وظایف زن
۵۶	بینش و نمای این منشور
۸۷	سفارش‌ها و درخواست‌ها
۹۶	مسئلیت زن مسلمان
۱۰۴	فهرست مطالب